میزان الصرف

تالیف:

سراج الدین عثمان اودی

تسهیل و تنظیم:

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

میزان الصرف

تألیف:

سراج الدّین عثمان اودهی (رح)
متوفای ۷۵۸ ه

منشعب

تألیف:

ملاحمزه بدایونی هندی (رح)

ترتیب و تسهیل:

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

ویرایش و تصحیح جدید

سراج الدین عثمان، اودهی،- ۷۵۸ ق
میزان الصرف / تألیف سراج الدین عثمان اودهی. منشعب / تألیف ملاحمزه بدایونی هند،
تسهیل و ترتیب: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی.- (ویرایش جدید)-
زاهدان: فاروق اعظم، ۱۳۸٦ . ISBN 964-7381-02-6
د، ۱۴۴ص: جدول.
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا. چاپ پنجم.
.زبان عربی-صرف.الف.بدایدنی هندی.حمزه.منشعب ب.مرادزهی ، عبدالمجید، ۱۳۳۹-،
گردآورنده.ج. د. عنوان: منشعب.
۹م۴س /٦۱۳۱ Pj ۴۹۲/۷۵ ۱۳۸٦
کتابخانه ملی ایران ۱۵۹۰۳ -۸۰م
محل نگهداری:

میزان الصرف و منشعب

تألیف: سراج الدین عثمان اودهی(رح)

ترتیب و تسهیل: ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

ناشر: انتشارات فاروق اعظم
امور فنی و نظارت چاپ: مؤسسه فرهنگی پژوهشی المرتضی
نوبت چاپ: هشتم
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد
چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات
تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۰
قیمت: ۲۵۰۰ تومان
شابک: ٦ - ۰۲ - ۷۳۸۱ - ۹٦۴

مرکز پخش: زاهدان خیابان خیام روبروی مسجد جامع مکی
تلفن: ۲۴۱۸۸۳۸ - ۰۵۴۱

فهرست مطالب

فهرست مطالب



پیشگفتار چاپ دوم

الحمد لله رب العلمین و الصلاة و السلام علی سید الانبیاء و خاتم المرسلین و علی آله و أصحابه أجمعین إلی یوم الیقین.

رسالۀ هذا کتابی است به نام «میزان الصرف» با ضمیمۀ «منشعب» که در حدود شش قرن پیش، در علم صرف نوشته شده و چون برای مبتدیان و نوآموزان بسیار مفید و در سطح فهم آنان می‌باشد، در طول این مدت در تمامی مدارس و حوزه‌های علمیه، تدریس می‌شده و طلاب علوم دینی از آن بهره وافری می‌گرفته‌اند.

در حال حاضر نیز در مدارس عربیه بعنوان اساسی‌ترین کتاب در فن صرف برای نوآموزان در نظر گرفته شده و تدریس می‌شود و جزو برنامه درسی «شورای هماهنگی حوزه‌های علمیه اهل سنت سیستان و بلوچستان» نیز می‌باشد.

در عصر حاضر که برای طلاب و دانش‌آموزان مراحل ابتدایی بهترین روش تدریس، روشی است که همراه با پرسش و تمرین بوده و متن و زبان کتاب نیز ساده باشد.

اینک بنا به پیشنهاد بعضی از بزرگان و دوستان، بر آن شدم تا این رساله را به همان روش درآورم که با فضل خداوند متعال این کار آغاز و انجام پذیرفت.

چاپ اوّل کتاب در تیراژ پنج هزار جلد به پایان رسید. البته اشکالات چاپی در آن وجود داشت، که در چاپ دوّم ضمن رفع اشکالات، یک بازنگری کاملی در آن صورت گرفت و در قسمت تمرینها اضافاتی نیز بعمل آمد و با حروفچینی جدید اینک تقدیم علاقمندان می‌شود.

چنانچه اساتید محترم، دین واقعی خویش را در تدریس آن و دانش آموزان عزیز، مسؤولیت خطیر آموختن و تعلّم صحیح خویش را ادا کنند، پس از خواندن این کتاب، اساس و ریشهٔ صرفی آنان بسیار تقویت خواهد شد و بهره کاملی از علم صرف خواهند برد.

در پایان از اساتید بزگوار و علمای اعلام استدعا می‌شود هرگونه نظر و پیشنهادی را در این باره، متذکر شوند تا به عون الله در چاپهای آینده ملحوظ نظر قرار گیرد.

از همه خوانندگان و استفاده کننده گان التماس دعای خیر و توفیق بیش از پیش را دارم.

و من الله التوفیق و علیه التوکّل و الاعتماد

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

شهریور هزار و سیصد و هفتاد و شش

مشهد ـ وکیل آباد

مقدمه

برای یادگیری هر زبان، نخست یادگرفتن قواعدی لازم است که بتوان با آن قواعد، آن زبان را به خوبی یاد گرفت.

این قواعد را به فارسی: **«دستور زبان»**

و به عربی: **«صَرف و نَحو»**

و به انگلیسی: **«گِرامِر»** گویند.

زبان، جمله، کلمه، حرف

زبان: مجموعه‌ای از **«جملات»** و عبارات یک قوم است که با آن تکلّم می‌کنند.

جمله: مجموعه‌ای از **«کلمات»** است که به یکدیگر نسبت داده شده باشد.

کلمه: مجموعه‌ای از **«حروف»** است که دارای معنی باشد.

بنابراین، یک زبان بدینصورت ترکیب و درست می‌شود:



حروف در زبان عربی

زبان عربی دارای بیست و هشت «حرف و الفبا» می‌باشد. و هر یک از آنها اسمی و رسمی دارد. امّا اسم آنها عبارت است از:

الف و همزه، باء، تاء، ثاء، جیم، حاء، خاء، دال، ذال، راء، زاء، سین، شین، صاد، ضاد، طاء، ظاء، عین، غین، فاء، قاف، کاف، لام، میم، نـون، هاء، واو، یاء.

و امّا رسم و شکل آنها عبارتست از:

اء ـ ب ـ ت ـ ث ـ ج ـ ح ـ خ ـ د ـ ذ ـ ر ـ ز ـ س ـ ش ـ ص ـ ض ـ ط ـ ظ ـ ع ـ غ ـ ف ـ ق ـ ک ـ ل ـ م ـ ن ـ ه ـ و ـ ی.

علوم عربیّه

علوم‌عربیّه که به آن «علوم ادبیات‌عرب» نیز می‌گویند، چهارده علم است.

۱ـ علم صَرف ۲ـ علم اِشْتِقاق ۳ـ لُغت ۴ـ نَحْو ۵ـ کِتابَت ۶ـ قِرائَت ۷ـ تَجوِید ۸ـ مَعانی ۹ـ بیان ۱۰ـ بَدیع ۱۱ شِعر ۱۲ـ اِنشاء ۱۳ـ أَمثال ۱۴ـ تاریخ اَدب.

که مهم‌ترین و اساسی ترین این علوم، سه علمِ: **«صَرْف، نَحْو و لُغت»** است، و کسی که با این علوم مخصوصاً «صَرف، نَحو و لُغت» آشنایی داشته باشد، بر زبان عرب مسلّط است و می‌تواند به خوبی از «آیات و روایات» و... بهره‌وری و استفاده کند.

علم صرف

تعریف:

«**صَرْف**» در لغت به معنای «تغییر دادن» است، یعنی یک شیئ را از یک حالت به حالت دیگر تغییر داد. چنانکه می‌گویند:

«**صَرَّفْتُ الشَّیْئَ**» **ای** «**غَیَّرْتُهُ**»

و در اصطلاح علمای صرف، «علمی است که گفتگو می‌کند از نقل و تغییر یک کلمه به صورتهای گوناگون تا معانی مقصود و دلخواه بدست آید» به عبارتی دیگر:

«علم صرف، علمی است که در آن از صورتها و هیئتهای گوناگون کلمات مفردهٔ موضوعهٔ عربیه، بحث می‌شود و قواعد و اصول ساختن کلمه را به انسان می‌آموزد.»

مانند: «**ضَرَبَ**» (زد) که پس از نقل به صورتهای دیگر، می‌شود: «**یَضْرِبُ**» (می‌زند)، «**ضَارِبٌ**» (زننده)، «**مَضْرُوْبٌ**» (زده شده)، «**اِضْرِبْ**» (بزن) و غیره.

بنابراین، می‌گویند: کلمهٔ «**ضَرَبَ**» صرف شده است.

فایدهٔ علم صرف:

در هر زبانی بسیاری از کلمه‌ها، از کلمهٔ دیگری گرفته می‌شوند. مثلاً در فارسی کلمه‌های:

«خواندم ـ خواندی ـ خواند ـ بخوان و یا: می‌خوانم ـ می‌خوانی ـ می‌خواند و...» از مادّه «خواندن» گرفته شده‌اند.

در عربی نیز چنین‌است؛ و علمی که در پرتو آن، این نَقلها و تغییرات انجام می‌گیرد، «علم صرف» نام دارد. بنابراین، باید «علم صرف» را بیاموزیم تا:

۱ـ کلمه‌ها را به خوبی بشناسیم

۲ـ به معانی آنها بخوبی پی ببریم

۳ـ و بتوانیم برای هر معنای دلخواه‌مان، مطابق استعمالات و کاربردهای عرب، کلمات مناسب بسازیم؛ و اینست فایدهٔ علم صرف.

موضوع علم صرف:

موضوع این علم، عبارتست از **«کلمه»** زیرا از آغاز علم صرف تا پایان آن، از صورتها و هیئتهای نوعی و گوناگون «کلمه» بحث می‌شود.

تعریف لفظ و کلمه:

به هر صورت و صدایی که از دهان خارج شده و بر مخارج حروف تکیه داشته باشد، **«لَفْظ»** گویند.

لفظ بر دو گونه است:

۱ـ لَفْظِ مُسْتَعْمَلْ: لفظی است که دارای معنا باشد؛ مانند: **قَلَم، کِتاب،** آب و به اینگونه الفاظ، «کلمه» گویند.

۲ـ لَفْظِ مُهْمَلْ: لفظی است که دارای معنا نباشد، مانند: **مَلَم** در مقابل **قَلَمْ**، **کِتاَبْ** در مقابل کتاب و غیره.

پس، کلمه «لفظ **مُسْتَعْمَلی** است که دارای معنا و مفهوم خاصی باشد».

انواع کلمه:

کلمه بر سه قسم است: اسم، فعل، حرف

۱ـ اسم: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و در آن، قید زمان موجود نباشد. مانند: «**عِلْم**» (دانستن) ـ «**رَجُل**» (مرْد)

۲ـ فِعْل: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی بوده و قید زمان در آن موجود باشد. مانند: «**ضَرَبَ**» (زد آن مرد در زمان گذشته)

۳ـ حَرْف: کلمه‌ای است که دارای معنای مستقلی نیست. مانند: **مِنْ** (از) **عَلیٰ** (بر)؛ بنابر این:

«**کلمه**» یا معنای مستقلی دارد و یا ندارد؛ اگر نداشته باشد، «**حرف**» است و اگر داشته باشد، یا همراه با قید زمان است «**فعل**» و اگر قید زمان ندارد، «**اسم**» می‌باشد.

و چون «**حَرْف**» تصْرِیْف نمی‌شود، از موضوع صرف خارج است و «**اسم**» هم برای اینکه بسیار کم صَرْف می‌شود، آن را نادیده می‌گیرند.

پس در حقیقت، «کلمهٔ فعل» موضوع اصلی علم صرف قرار می‌گیرد.

واضع و مدوّن علم صرف:

زمانی که علم نحو توسط "ابوالاسود دئلی" (از شاگردان و ارادتمندان حضرت علی کرّم الله وجهه) نظم یافت، «علم صرف» بعنوان شاخه‌ای از آن شناخته می‌شد. ولی بعداً "معاذبن مسلم فرّاء" شاگرد «ابوالاسود دئلی» (متوفای سال ۱۸۷ ه‍ ق) علم صرف را بطور مستقل پی‌ریزی نمود. بعد از وی "ابوالحسن علی کسائی" (متوفای سال ۱۸۹ هق) معروف به علامه کسائی آن را تکمیل کرد و نظم و ترتیب خاصی به آن داد.

مؤلّف «میزان الصرف»:

همانطور که این‌کتاب از شهرت و امتیاز خاصی برخوردار است، به همان نسبت، مؤلّف آن، مجهول الحال و ناشناخته است. و نظریه‌های مختلفی دربارهٔ مؤلّف آن اظهار شده ولی قول راجح که اکثر علما و مورخان آن را تائید نموده‌اند، اینست که مؤلّف آن: "شیخ سراج الدین عثمان اودی رح" (متوفای سال ۷۵۸ هجری قمری) از دانشمندان و عارفان قرن هشتم هند می‌باشد.

کتابهای "الهدایه فی النحو" و "پنج گنج" در صرف از آثار همین مؤلّف مرحوم هستند.

پرسش و تمرین

۱ـ قواعد زبان را به فارسی چه می‌گونید؟
۲ـ قواعد زبان را به عربی چه می‌گویند؟
۳ـ از مجموعه حروف چه بدست می آید؟
۴ـ از مجموعه کلمات چه بدست می آید؟
۵ـ از مجموعه جمله‌ها و عبارات چه بدست می آید؟
۶ـ حروف و الفبای عربی چند تا است؟
۷ـ حروف را به ترتیب نوشته و حفظ نمائید.
۸ـ علوم عربیّه چند تاست؟ و مهمترین آنها کدامند؟
۹ـ علم صرف را تعریف کنید.
۱۰ـ فایدهٔ علم صرف را بیان نمائید.
۱۱ـ موضوع آن را بگوئید.
۱۲ـ انواع لفظ را بنویسید.
۱۳ـ کلمه را تعریف نموده انواع آن را با مثال بیان نمائید.
۱۴ـ وضع‌کنندگان و ترتیب دهندگان علم صرف را بنویسید.
۱۵ـ مؤلّف میزان الصرف کیست؟

بنام خداوندی که یکی از بهترین نعمتهایش «زبان و کلام» را به انسان بخشید و به واسطهٔ آن، نوع بشر را امتیازی بزرگ عنایت فرمود.

و با درود و سلام بر روان پاک بهترین انسانها و خاتم پیامبران، حضرت محمد بن عبدالله ﷺ و بر آل و اصحاب وی مِنَ الآن الی یومِ الیقین.

امّا بعد!

درس اوّل

تعریف فعل

فعل به کلمه‌ای گفته می‌شود که دلالت کند برکردن یا شدن کاری در یکی از زمان‌های سه گانه (ماضی، حال، استقبال) مانند: **«کَتَبَ»** (نوشت) **«یَکْتُبُ»** (می‌نویسد) **«أُکْتُبْ»** (بنویس)

انواع فعل مُتَصَرِّفْ به اعتبار زمان[1]

فعل به اعتبار زمان بر سه قسم است: «ماضی»، «حال»، «مستقبل».

۱ـ فعل ماضی آنست که بر زمان گذشته دلالت کند و آخرش مبنی بر فتحه باشد مانند: **کَتَبَ ـ سَمِعَ ـ شَرُفَ ـ دَحْرَجَ**. مگر در صورت وجود عارض و مانعی چون: **ضَرَبُوْا**.

۲ـ فعل حال آنست که بر زمان حاضر دلالت کند.

۳ـ فعل مستقبل آنست که بر زمان آینده دلالت کند و حرف آخر آن مرفوع می‌شود، مانند: **یَکْتُبُ ـ یَضْرِبُ ـ یَسْمَعُ ـ یُدَحْرِجُ**. مگر در صورت وجود عارض و مانعی[2] چون: **لَمْ یَضْرِب**. صیغه‌های فعل حال

۱ـ فعل متصّرف در اصطلاح علمای اهل صرف به فعلی گفته می‌شود که از مصدر آن، صیغه‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و غیره ساخته می‌شوند.

۲ـ و عارض در ماضی که آخرش مبنی بر فتحه نمی‌شود ضمیر متصل می‌باشد که در آن صورت یا مبنی بر سکون می‌شود چنانکه در ضَرَبْنَ، ضَرَبْتُنَّ، ضَرَبْتُمْ، ضَرَبْتُ، ضَرَبْنَا یا مبنی بر ضم چنانکه در ضربوا.

و استقبال یکی هستند.[1]

به حال و استقبال، فعل مضارع نیز می‌گویند.

پرسش و تمرین

۱ـ فعل را تعریف نمائید.

۲ـ فعل چند نوع دارد؟ انواع آن را نام ببرید.

۳ـ فعل ماضی را تعریف کنید.

۴ـ فعل مستقبل و حال را تعریف نمائید.

۵ـ در کلمات زیر نوع فعل را مشخص کنید:

سَمِعَ ـ يَضْرِبُ ـ كَتَبَ ـ يَفْتَحُ ـ يَحْسِبُ.

۶ـ دو مثال برای فعل ماضی و دو مثال برای مستقبل و دو مثال برای حال بنویسید.

و عارض در مضارع نواصب و جوازم می‌باشد که در آن صورت آخرش مجزوم یا منصوب می‌شود و فعل مضارع بدو صورت مرفوع می‌شود در پنج صیغه: یفعل، تفعل، افعل، تفعل مرفوع بحرکت رفع و در هفت صیغه، مرفوع با ثبات نون اعرابی می‌شود.

۱ـ «صیغه» در اصطلاح اهل صرف عبارت از هیئتی است که برای کلمه پس از ترتیب حروف با حرکتها و ساکنها، حاصل می‌شود.

درس دوّم

تعداد صیغه‌های فعل ماضی و مضارع

هر یکی از فعل ماضی و مضارع دارای چهارده صیغه بشرح ذیل می‌باشد:

* مذکر غایب: سه صیغه
* مونث غایب: سه صیغه
* مذکر مخاطب: سه صیغه
* مؤنث مخاطب: سه صیغه
* واحد متکلّم: یک صیغه (برای مؤنث و مذکر که به آن «**مُتَکَلِّم وَحْدَه**» نیز گویند)
* جمع متکلّم: یک صیغه (برای جمع مذکر و مؤنث و تثنیه که به آن «**مُتَکَلِّمْ مَعَ الْغَیْر**» نیز گویند)

صرف چهارده صیغهٔ فعل ماضی معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ ضَرَبَ	یک مرد زد	۸ـ ضَرَبْتُمَا	شما دو مرد زدید
۲ـ ضَرَبَا	دو مرد زدند	۹ـ ضَرَبْتُمْ	شما مردان زدید
۳ـ ضَرَبُوْا	مردان زدند	۱۰ـ ضَرَبْتِ	تو یک زن زدی
۴ـ ضَرَبَتْ	یک زن زد	۱۱ـ ضَرَبْتُمَا	شما دو زن زدید
۵ـ ضَرَبَتَا	دو زن زدند	۱۲ـ ضَرَبْتُنَّ	شما زنان زدید
۶ـ ضَرَبْنَ	زنان زدند	۱۳ـ ضَرَبْتُ	زدم
۷ـ ضَرَبْتَ	تو یک مرد زدی	۱۴ـ ضَرَبْنَا	زدیم

*** یاد آوری:**

مفرد، تثنیه و جمع در صیغه‌ها تعیین نشده است. اساتید محترم ضمن بیان مفهوم آنها برای طلاب، در جدول فوق مشخص نمایند.

فعل معلوم و مجهول

هر یک از فعل ماضی و مضارع به دو قسم معلوم و مجهول تقسیم می‌شوند. «فعل معلوم» آنست که فاعلش معلوم باشد،

مانند: **کَتَبَ عُمَرُ** (عمر نوشت)

«فعل مجهول» آنست که فاعلش نامعلوم باشد، مانند:

کُتِبَ (نوشته شد)

طریقهٔ ساخت فعل ماضی مجهول

فعل ماضی مجهول از معلوم آن، چنین ساخته می‌شود که حرف عین الکلمه را کسره داده و حروف متحرّک پیش از آن را، ضمّه می‌دهیم. چنانکه:

ضَرَبَ ← ضُرِبَ. ضَرَباَ ← ضُرِباَ

صرف چهارده صیغه فعل ماضی مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ ضُرِبَ	یک مرد زده شد	۸ـ ضُرِبْتُمَا	شما دو مرد زده‌شدید
۲ـ ضُرِبَا	دو مرد زده‌شدند	۹ـ ضُرِبْتُمْ	شما مردان زده‌شدید
۳ـ ضُرِبُوْا	مردان زده‌شدند	۱۰ـ ضُرِبْتِ	تو یک زن زده‌شدی
۴ـ ضُرِبَتْ	یک زن زده‌شد	۱۱ـ ضُرِبْتُمَا	شما دو زن زده‌شدید
۵ـ ضُرِبَتَا	دو زن زده‌شدند	۱۲ـ ضُرِبْتُنَّ	شما زنان زده‌شدید
۶ـ ضُرِبْنَ	زنان زده‌شدند	۱۳ـ ضُرِبْتُ	زده‌شدم
۷ـ ضُرِبْتَ	تو یک مردزده‌شدی	۱۴ـ ضُرِبْنَا	زده‌شدیم

پرسش و تمرین

۱ـ فعل ماضی دارای چند صیغه می‌باشد؟
۲ـ صیغه‌های شماره ۳، ۶، ۹، ۲ را بنویسید و ترجمه کنید.
۳ـ فعل مضارع چند صیغه دارد؟
۴ـ واحد متکلّم مؤنث و مذکر چه فرقی با هم دارند؟
۵ـ شمارهٔ صیغه‌های زیر را نوشته نوع فعل را مشخص نمائید:
ضَرَبَتْ ضَرَبُوْا ضَرَبْتَ ضَرَبْتِ
۶ـ صیغهٔ شماره‌های زیر را نوشته ترجمه کنید:
۷ـ ۱۴ـ ۲ـ ۱۱ـ
۷ـ فعل معلوم را تعریف نمائید.
۸ـ فعل مجهول را تعریف نمائید.
۹ـ فعل مجهول چگونه ساخته می‌شود؟
۱۰ـ از صیغه‌های زیر معلوم و مجهول را مشخص کنید:
ذَهَبْتُ ضُرِبَ كَتَبْنَ كَتَبُوْا ضَرَبْنَا
۱۱ـ صیغه‌های زیر را ترجمه کنید:
ضَرَبتُ ضَرَبْتُنَّ ضُرِبْتُمْ كُتِبَ
۱۲ـ شمارهٔ هر یک از صیغه‌های ذیل را در کنار آنها بنویسید:
۵ـ ۹ـ ۱۳ـ ۱ـ ۴ـ ۸
ضُرِبْتُ ضُرِبَتْ ضُرِبَ ضُرِبْتُماَ ضُرِبْتُمْ ضُرِبَتَا
۱۳ـ صیغه‌های زیر را به عربی بنویسید:
شمازنان زدید: زده شدم: دو زن زدند: زنـان زده‌شدند

درس سوّم

فعل مثبت و منفی

فعل از جهتی به دو قسم تقسیم می‌شود: مثبت و منفی.

۱ـ فعل مثبت آنست که از آن، کردن یا شدن کاری مفهوم شود. مانند: **«کَتَبَ»** (آن مرد نوشت در زمان گذشته) **«یَکْتُبُ»** (آن مرد می‌نویسد در زمان حال یا آینده)

۲ـ فعل منفی آنست که از آن، نکردن یا نشدن کاری مفهوم شود. مانند **«ماکَتَبَ»** (آن مرد ننوشت، در زمان گذشته) **«لاَیَکْتُبُ»** (آن مرد نمی‌نویسد، در زمان حال یا آینده)

فعل ماضی منفی

ماضی منفی از ماضی مثبت اینگونه ساخته می‌شود که حرف **«ماَ»** نافیه در اول آن آورده می‌شود و این حرف، هیچگونه تغییری در لفظ فعل نمی‌آورد. البته در معنای فعل تغییر ایجاد می‌کند، یعنی: فعل مثبت را، منفی می‌کند.

صرف فعل ماضی منفی معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ ماضَرَبَ	آن مرد نزد	٨ـ ماضَرَبْتُماَ	شما دو مرد نزدید
٢ـ ماضَرَباَ	آن دو مرد نزدند	٩ـ ماضَرَبْتُمْ	شما مردان نزدید
٣ـ ماضَرَبُوا	آن مردان نزدند	١٠ـ ماضَرَبْتِ	تو یک زن نزدی
٤ـ ماضَرَبَتْ	آن زن نزد	١١ـ ماضَرَبْتُماَ	شما دو زن نزدید
٥ـ ماضَرَبَتاَ	آن دو زن نزدند	١٢ـ ماضَرَبْتُنَّ	شما زنان نزدید
٦ـ ماضَرَبْنَ	آن زنان نزدند	١٣ـ ماضَرَبْتُ	نزدم (واحد متكلّم)
٧ـ ماضَرَبْتَ	تو یک مرد نزدی	١٤ـ ماضَرَبْناَ	نزدیم (متکلم مع‌الغیر)

صرف فعل ماضی منفی مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ ماضُرِبَ	آن یک مرد زده‌نشد	٨ـ ماضُرِبْتُماَ	شما دو مرد زده‌نشدید
٢ـ ماضُرِباَ	آن دو مرد زده‌نشدند	٩ـ ماضُرِبْتُمْ	شما مردان‌زده‌نشدید
٣ـ ماضُرِبُوا	آن مردان زده‌نشدند	١٠ـ ماضُرِبْتِ	تو یک زن زده‌نشدی
٤ـ ماضُرِبَتْ	آن زن رده نشد	١١ـ ماضُرِبْتُماَ	شما دو زن زده‌نشدید
٥ـ ماضُرِبَتاَ	آن دو زن زده‌نشدند	١٢ـ ماضُرِبْتُنَّ	شما زنان زده‌نشدید
٦ـ ماضُرِبْنَ	آن زنان زده‌نشدند	١٣ـ ماضُرِبْتُ	زده‌نشدم
٧ـ ماضُرِبْتَ	تو یک مرد زده‌نشدی	١٤ـ ماضُرِبْناَ	زده‌نشدیم

پرسش و تمرین

۱ـ فعل مثبت و منفی را تعریف نمائید
۲ـ دو مثال برای فعل مثبت و دو مثال برای فعل منفی بنویسید.
۳ـ از فعل‌های زیر مثبت و منفی را مشخص نمائید.
مَاکَتَبَ ـ مَاکَتَبْتُ ـ ذَهَبُوْا ـ کَتَبَتْ ـ لَایَکْتُبُوْنَ ـ لَایَذْهَبُ.
نیز فعلهای ماضی را از صیغه‌های بالا مشخص کنید.
۴ـ فعل ماضی چگونه منفی می‌شود؟
۵ـ حرف نفی در ظاهر فعل چه تغییری ایجاد می‌کند؟
۶ـ حرف نفی در معنای فعل چه تغییری ایجاد می‌کند؟
۷ـ صیغه‌های واحد مؤنث مخاطب، تثنیه مذکر غائب و جمع مؤنث مخاطب معلوم و مجهول را نوشته، ترجمه کنید.
۸ـ هر یک از این شماره‌ها را در کنار صیغهٔ مربوط به آن قرار دهید:
۱۳ ـ ۲ ـ ۱۱ ـ ۴ ـ ۷ ـ ۱۰ ـ ۸

مَاضَرَبْتُمَا　　مَاضَرَبَا　　مَاضَرَبْتُ　　مَاضَرَبَتْ

مَاضَرَبْتَ　　مَاضَرَبْتِ　　مَاضَرَبْتُمَا

درس چهارم

اقسام فعل ماضی

فعل ماضی به اعتباری بر شش قسم است:

۱ـ ماضی مطلق: آنست که بدون هیچگونه قیدی برزمان گذشته دلالت کند مانند: **«ضَرَبَ»** (یک مرد زد در زمان گذشته)

۲ـ ماضی قریب: آنست که بر انجام فعلی در زمان گذشتهٔ نزدیک به زمان حال، دلالت کند و هرگاه حرف **«قَدْ»** به اوّل ماضی مطلق بیاوریم، ماضی قریب درست می‌شود مانند: **«قَدْ ضَرَبَ»** (یک مرد زده است) **«قَدْ ضَرَبْتُ»** (زده‌ام)

۳ـ ماضی بعید: آنست که برانجام فعلی در زمان گذشتهٔ دور از زمان حال، دلالت کند و هرگاه لفظ **«کانَ»** را به اوّل ماضی مطلق بیاوریم، آن را بعید می‌سازد. مانند:

«کانَ ضَرَبَ» (یک مرد زده بود) **«کُنْتُ ضَرَبْتُ»** (زده بودم)

۴ـ ماضی استمراری: آنست که بر صدور فعلی در زمان گذشته، بطور دوام و همیشگی دلالت کند. و هرگاه لفظ **«کانَ»** را به اوّل فعل مضارع بیاوریم، «ماضی استمراری» درست می‌شود. مانند: **«کانَ یَذْهَبُ»** (آن مرد می‌رفت) **«کانَ یَقْرَأُ»** (آن مرد می خواند) **«کُنْتُ أَکْتُبُ»** (من می‌نوشتم)

۵ـ ماضی احتمالی: آنست که بر صدور فعلی در زمان گذشته بطور شک و تردید دلالت کند، و با اضافه کردن لفظ **«لَعَلَّمَا»** در اوّل ماضی مطلق، «ماضی احتمالی» درست می‌شود، مانند: **«لَعَلَّمَا ذَهَبَ»** (شاید آن مرد رفته باشد)، **«لَعَلَّمَا ذَهَبْتُ»** (شاید رفته باشم)

٦ـ ماضی تمنّائی: آنست که بر آرزو و خواهش صدور فعل در زمان گذشته، دلالت کند و با اضافه کردن لفظ **«لَيْتَمَا»** در آغاز ماضی مطلق، «ماضی تمنّائی» درست خواهد شد، مانند: **«لَيْتَمَا ضَرَبَ»** (کاش آن مرد می‌زد)، **«لَيْتَمَا قَرَأْتُ»** (کاش درس می‌خواندم).

هر یکی از اقسام فعل ماضی دارای چهارده صیغهٔ معروف و مجهول می‌باشد که در نتیجه، مجموع صیغه‌های فعل ماضی «سیصد و سی و شش» (۳۳۶) می‌باشند.

پرسش و تمرین

۱ـ فعل ماضی دارای چند قسم می‌باشد؟

۲ـ «ماضی قریب» و «بعید» را تعریف نموده، روش درست کردن آن را بنویسید.

۳ـ «ماضی استمراری» کدام است و چگونه درست می‌شود؟

۴ـ «ماضی تمنّائی» و «ماضی احتمالی» چه فرقی با هم دارند؟

۵ـ در فعل‌های زیر نوع ماضی را مشخص کنید:

کانَ ذَهَبَ　　لَیْتَما کَتَبَ　　کانَ یَقْرَأُ

کُنْتُ اَسْمَعُ　　قَدْ ضَرَبَ

۶ـ سه صیغهٔ مذکر غایب «ماضی احتمالی» و سه صیغهٔ مؤنث مخاطب «ماضی تمنّائی» را نوشته ترجمه کنید.

۷ـ صیغهٔ واحد متکلم و جمع متکلّم «ماضی بعید» و «ماضی استمراری» را نوشته ترجمه کنید.

۸ـ چهارده صیغهٔ «ماضی احتمالی» مجهول و چهارده صیغهٔ «ماضی استمراری» معلوم را در دفترهای خود بنویسید.

۹ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص کرده ترجمه آنها را بنویسید.

لَیْتَماَ ضُرِبَتْ ـ کانَ یُضْرَبُ ـ لَعَلَّماَ ذَهَبْتُ ـ کاناَیَقْرَأنِ ـ قَدْقَرَئَتْ

۱۰ـ نوشتن و تصریف کلیه صیغه‌های معروف و مجهول اقسام فعل ماضی با ترجمه آنها به طلّاب عزیز توصیه می‌شود و اساتید محترم نیز تلاش و دقّت بیشتری بعمل آورند.

درس پنجم

فعل مضارع و چگونگی ساخت آن

فعل مضارع از فعل ماضی بشرح زیر ساخته می‌شود:

الف ـ یکی از علامتهای چهارگانهٔ مضارع را (حروف «**أَتَیْن**» ا ـ ت ـ ی ـ ن) در اول ماضی با تفصیل ذیل اضافه می‌کنیم: «الف» را در اول واحد متکلّم «تا» را در اوّل هشت صیغهٔ زیر:

۱ـ واحد مؤنث غایب ۵ـ جمع مذکر حاضر
۲ـ تثنیه مؤنث غایب ۶ـ واحد مؤنث حاضر
۳ـ واحد مذکر حاضر ۷ـ تثنیه مؤنث حاضر
۴ـ تثنیه مذکر حاضر ۸ـ جمع مؤنث حاضر

«یاء» را در اوّل چهار صیغهٔ زیر:

۱ـ واحد مذکر غایب ۳ـ جمع مذکر غایب
۲ـ تثنیه مذکر غایب ۴ـ جمع مؤنث غایب

«ن» را در اول صیغهٔ جمع متکلّم.

ب ـ حرف اوّل (فاء کلمه) را ساکن می‌کنیم.

ج ـ حرف آخر (لام کلمه) را در پنج صیغهٔ زیر ضمه می‌دهیم:

۱ـ واحد مذکر غایب ۲ـ واحد مؤنث غایب ۳ـ واحد مذکر حاضر ۴ـ واحد متکلّم ۵ـ جمع متکلّم.

د ـ در آخر هفت صیغهٔ ذیل به جای اعراب (حرکت) نون اعرابی اضافه می‌کنیم:[1]

۱ـ تثنیه مذکر غایب ۲ـ تثنیه مذکر حاضر

۳ـ تثنیه مؤنث غایب ۴ـ تثنیه مؤنث حاضر

۵ـ جمع مذکر غایب ۶ـ جمع مذکر حاضر

۷ـ واحد مؤنث حاضر.

نون اعرابی چهار صیغهٔ اول مکسور و سه صیغهٔ آخر مفتوح می‌شود.

ه ـ صیغه‌های جمع مؤنث (غایب و حاضر) مانند فعل ماضی در آخر خود، نون تأنیث دارند. «لام کلمه» اینها ساکن می‌شود.

فعل مضارع مجهول مثبت

روش ساختن فعل مضارع مجهول چنین است که حرف اوّل مضارع معلوم را ضمه و حرف پیش از حرف آخر را که در مقابل «عین کلمه» قرار دارد، فتحه می‌دهیم. مانند:

يَضْرِبُ ← **يُضْرَبُ** (یک مرد زده خواهد شد)

۱ـ نون اعرابی: نونی است که عوض اعراب رفع در آخر هفت صیغه آورده می‌شود و بهمین سبب در صورت منصوب یا مجزوم بودن فعل مضارع نون اعرابی از این هفت صیغه ساقط می‌شود.

صرف فعل مضارع معلوم مثبت

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ يَضْرِبُ	آن یک مرد می‌زند	۸ـ تَضْرِبَانِ	شما دو مرد می‌زنید
۲ـ يَضْرِبَانِ	آن دو مرد می‌زنند	۹ـ تَضْرِبُوْنَ	شماهمه مردان‌می‌زنید
۳ـ يَضْرِبُوْنَ	آن همه مردان می‌زنند	۱۰ـ تَضْرِبِيْنَ	تو یک زن می‌زنی
۴ـ تَضْرِبُ	آن یک زن می‌زند	۱۱ـ تَضْرِبَانِ	شما دو زن می‌زنید
۵ـ تَضْرِبَانِ	آن دو زن می‌زنند	۱۲ـ تَضْرِبْنَ	شما همه زنان می‌زنید
۶ـ يَضْرِبْنَ	آن همه زنان می‌زنند	۱۳ـ اَضْرِبُ	می‌زنم (واحدمتکلم)
۷ـ تَضْرِبُ	تو یک مرد می‌زنی	۱۴ـ نَضْرِبُ	می‌زنیم(جمع متکلم)

صرف فعل مضارع مجهول مثبت

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ يُضْرَبُ	آن مرد زده خواهد شد	۸ـ تُضْرَبَانِ	شما دو مرد زده‌خواهیدشد
۲ـ يُضْرَبَانِ	آن‌دومردزده‌خواهندشد	۹ـ تُضْرَبُوْنَ	شماهمه‌مردان‌زده‌خواهیدشد
۳ـ يُضْرَبُوْنَ	آن مردان زده‌خواهندشد	۱۰ـ تُضْرَبِيْنَ	تو یک زن زده‌خواهی‌شد
۴ـ تُضْرَبُ	آن یک زن زده خواهدشد	۱۱ـ تُضْرَبَانَ	شما دو زن زده‌خواهیدشد
۵ـ تُضْرَبَانِ	آن دو زن‌زده‌خواهندشد	۱۲ـ تُضْرَبْنَ	شماهمه‌زنان‌زده‌خواهیدشد
۶ـ يُضْرَبْنَ	آن‌همه‌زنان‌زده‌خواهندشد	۱۳ـ اُضْرَبُ	زده‌خواهم‌شد(واحدمتکلم)
۷ـ تُضْرَبُ	تو یک مرد زده‌خواهی‌شد	۱۴ـ نُضْرَبُ	زده‌خواهیم‌شد(جمع‌متکلم)

پرسش و تمرين

۱ـ علامتهای مضارع را نام ببريد.
۲ـ «فاء كلمه» در مضارع چه حركتی دارد؟
۳ـ «لام كلمه» در كدام كلمه‌ها مضموم می‌شود؟
۴ـ حرف «ياء» بر چند صيغه آورده می‌شود؟
۵ـ «نون اعرابی» بر چند صيغه آورده می‌شود و محل آن كجاست؟
۶ـ چهار صيغه بنويسيد كه در اول آنها حرف «تاء» باشد.
۷ـ در صيغه‌های زير نون اعرابی و نون جمع مؤنث را مشخص كنيد.

يَضْرِبَانَ تَضْرِبْنَ تَضْرِبُوْنَ تَضْرِبِيْنَ يَضْرِبْنَ

۸ـ فعل مضارع معلوم از «**يَكْتُبُ**» را صرف نموده در دفتر خويش با ترجمه آن بنويسيد.
۹ـ فعل مضارع مجهول چگونه درست می‌شود؟
۱۰ـ كدام حرف از مضارع مجهول فتحه داده می‌شود؟
۱۱ـ صيغه‌های مونث مضارع مجهول را صرف نموده، با ترجمه آن در دفتر خويش بنويسيد.
۱۲ـ هر يک از اين شماره‌ها را در كنار فعل آن قرار دهيد:

۹ ـ ۴ ـ ۲ ـ ۷ ـ ۱۳ ـ ۱۰

تَضْرِبِيْنَ تَضْرِبُوْنَ تَضْرِبُ أَضْرِبُ

يَضْرِبانِ تَضْرِبُ

۱۳ـ صیغه‌های شماره‌های زیر از مضارع مجهول را بنویسید:

۸ـ ۱۴ـ ۶ـ ۳ـ

۵ـ ۱۱ـ

۱۴ـ نون اعرابی، نون تثنیه و نون جمع چه فرقی با یکدیگر دارند؟

درس ششم

فعل مضارع منفی

فعل مضارع به دو گونه به شرح زیر منفی می‌شود:

۱ـ حرف «لاَ» نافیه را در اول آن بیاوریم مانند: «لاَيَكْتُبُ» (آن مرد نمی‌نویسد) حرف «لاَ» در لفظ فعل هیچ تغییری ایجاد نمی‌کند فقط معنای آن را تغییر می‌دهد.

۲ـ حرف «لَنْ» تأکیدیه را در اول آن بیاوریم مانند: «لَنْ يَكْتُبَ» (هرگز نمی‌نویسد).

حرف «لَنْ» در لفظ فعل هم تغییر ایجاد می‌کند.

این حرف پس از آمدن بر فعل مضارع، آن را به معنای «مستقبل منفی» کرده و به شرح زیر در لفظ عمل می‌کند:

الف ـ در پنج صیغه، آخر آنها را نصب می‌دهد:

۱ـ واحد مذکر غایب ۲ـ واحد مؤنث غایب ۳ـ واحد مذکر حاضر ۴ـ واحد متکلّم ۵ـ جمع متکلّم.

ب ـ نون اعرابی را در هفت صیغه ساقط می‌کند:

۱ـ تثنیه مذکر غایب ۲ـ تثنیه مؤنث غایب ۳ـ تثنیه مذکر حاضر ۴ـ تثنیهٔ مؤنث حاضر ۵ـ جمع مذکر غایب ۶ـ جمع مذکر حاضر ۷ـ واحد مؤنث حاضر.

در دو صیغهٔ جمع مؤنث غایب و جمع مؤنث حاضر هیچگونه تغییری در لفظ بوجود نمی‌آورد.[1]

صرف مضارع منفی معلوم با «لاَ» نافیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیَضْرِبُ	آن یک مرد نخواهد زد	۸ـ لاَتَضْرِبَانِ	شما دو مرد نخواهید زد
۲ـ لاَیَضْرِبَانِ	آن دو مرد نخواهند زد	۹ـ لاَتَضْرِبُوْنَ	شماهمه مردان نخواهید زد
۳ـ لاَیَضْرِبُوْنَ	آن‌همه مردان نخواهند زد	۱۰ـ لاَتَضْرِبِیْنَ	تو یک زن نخواهی زد
۴ـ لاَتَضْرِبُ	آن زن نخواهدزد	۱۱ـ لاَتَضْرِبَانِ	شمادو زن نخواهید زد
۵ـ لاَتَضْرِبَانِ	آن دو زن نخواهند زد	۱۲ـ لاَتَضْرِبْنَ	شماهمه زنان نخواهید زد
۶ـ لاَیَضْرِبْنَ	آن زنان نخواهند زد	۱۳ـ لاَاَضْرِبُ	نخواهم زد
۷ـ لاَتَضْرِبُ	تو یک مرد نخواهی زد	۱۴ـ لاَنَضْرِبُ	نخواهیم زد

۱ـ باید دانست که هیچ عاملی در لفظ این دو صیغه تغییری ایجاد نمی‌کند. زیرا که نون جمع مؤنث مبنی است چون ضمیر بارز است.

صرف مضارع منفی مجهول با «لاَ» نافیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیُضْرَبُ	آن‌مرد زده‌نخواهدشد	۸ـ لاَتُضْرَبَانِ	شمادومردزده‌نخواهیدشد
۲ـ لاَیُضْرَبَانِ	آن‌دومردزده‌نخواهندشد	۹ـ لاَتُضْرَبُوْنَ	شماهمه‌مردان‌زده‌نخواهیدشد
۳ـ لاَیُضْرَبُوْنَ	آن‌همه‌مردان‌زده‌نخواهندشد	۱۰ـ لاَتُضْرَبِیْنَ	تویک‌زن‌زده‌نخواهی‌شد
۴ـ لاَتُضْرَبُ	آن زن زده‌نخواهدشد	۱۱ـ لاَتُضْرَبَانِ	شمادوزن‌زده‌نخواهیدشد
۵ـ لاَتُضْرَبَانِ	آن‌دوزن‌زده‌نخواهندشد	۱۲ـ لاَتُضْرَبْنَ	شماهمه‌زنان‌زده‌نخواهیدشد
۶ـ لاَیُضْرَبْنَ	آن‌زنان‌زده‌نخواهندشد	۱۳ـ لاَأُضْرَبُ	زده نخواهم‌شد
۷ـ لاَتُضْرَبُ	تویک‌مردزده‌نخواهی‌شد	۱۴ـ لاَنُضْرَبُ	زده‌نخواهیم‌شد

صرف فعل مستقبل معلوم منفی با «لن» تاکیدیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَنْ یَضْرِبَ	آن یک مرد هرگزنخواهد زد	۸ـ لَنْ تَضْرِبَاَ	شما دو مردهرگز نخواهیدزد
۲ـ لَنْ یَضْرِبَاَ	آن دومرد هرگز نخواهند زد	۹ـ لَنْ تَضْرِبُوْا	شماهمه‌مردان‌هرگزنخواهیدزد
۳ـ لَنْ یَضْرِبُوْا	آن‌همه‌مردان‌هرگزنخواهندزد	۱۰ـ لَنْ تَضْرِبِیْ	تویک زن هرگزنخواهی‌زد
۴ـ لَنْ تَضْرِبَ	آن‌یک‌زن هرگزنخواهدزد	۱۱ـ لَنْ تَضْرِبَا	شمادوزن هرگزنخواهیدزد

۵ـ لَنْ تَضْرِبَا	آن دو زن هرگز نخواهند زد	۱۲ـ لَنْ تَضْرِبْنَ	شما همه زنان هرگز نخواهید زد
۶ـ لَنْ یَّضْرِبْنَ	آن همه زنان هرگز نخواهند زد	۱۳ـ لَنْ اَضْرِبَ	هرگز نخواهم زد
۷ـ لَنْ تَضْرِبَ	تو یک مرد هرگز نخواهی زد	۱۴ـ لَنْ نَضْرِبَ	هرگز نخواهیم زد

صرف فعل مستقبل مجهول منفی با «لن» تاکیدیه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَنْ یُضْرَبَ	آن یک مرد هرگز زده نخواهد شد	۸ـ لَنْ تُضْرَبَا	شما دو مرد هرگز زده نخواهید شد
۲ـ لَنْ یُضْرَبَا	آن دو مرد هرگز زده نخواهند شد	۹ـ لَنْ تُضْرَبُوْا	شما همه مردان هرگز زده نخواهید شد
۳ـ لَنْ یُضْرَبُوْا	آن همه مردان هرگز زده نخواهند شد	۱۰ـ لَنْ تُضْرَبِیْ	تو یک زن هرگز زده نخواهی شد
۴ـ لَنْ تُضْرَبَ	آن یک زن هرگز زده نخواهد شد	۱۱ـ لَنْ تُضْرَبَا	شما دو زن هرگز زده نخواهید شد
۵ـ لَنْ تُضْرَبَا	آن دو زن هرگز زده نخواهند شد	۱۲ـ لَنْ تُضْرَبْنَ	شما همه زنان هرگز زده نخواهید شد
۶ـ لَنْ یُضْرَبْنَ	آن همه زنان هرگز زده نخواهند شد	۱۳ـ لَنْ اُضْرَبَ	هرگز زده نخواهم شد
۷ـ لَنْ تُضْرَبَ	تو یک مرد هرگز زده نخواهی شد	۱۴ـ لَنْ نُضْرَبَ	هرگز زده نخواهیم شد

پرسش و تمرین

۱ـ فعل مضارع «مثبت» و «منفی» را تعریف کنید.
۲ـ فعل مضارع مثبت چگونه منفی می‌شود؟
۳ـ آیا حرف «لاَ» در لفظ فعل هم تغییر ایجاد می‌کند؟
۴ـ سه صیغهٔ فعل مضارع مثبت نوشته آنها را منفی و ترجمه کنید.
۵ـ فعل مضارع معلوم و مجهول منفی را با ترجمه در دفتر خویش بنویسید.
۶ـ حرف «لَنْ» چه تغییری در معنای فعل مضارع بوجود می‌آورد؟
۷ـ «لَنْ» در لفظ فعل مضارع تغییر ایجاد می‌کند یا خیر؟
۸ـ بوسیلهٔ «لَنْ» نون اعرابی چند صیغه ساقط می‌شود؟
شماره‌های آنها را بنویسید.
۹ـ حرف «لَنْ» در کدام صیغه‌ها عمل لفظی نمی‌کند؟
۱۰ـ سه صیغه که «لَنْ» آنها را نصب داده و چهار صیغه که نون اعرابی آنها ساقط شده، بنویسید.
۱۱ـ از کلمات زیر صیغه‌هایی را که «لَنْ» هیچگونه عمل لفظی در آنها نکرده، مشخص نمایید.

لَنْ یَّکْتُبَا ـ لَنْ یَّکْتُبْنَ ـ لَنْ یَّکْتُبوْا ـ لَنْ تَکْتُبَا ـ لَنْ تَکْتُبْنَ

۱۲ـ صیغه‌های شماره‌های ذیل را با ترجمه آنها بنویسید.

۳ـ	۷ـ	۱۲ـ
۹ـ	۱۳ـ	۴ـ

۱۳ـ فعل مضارع منفی معلوم مؤکّد با «لن» از «یَنْصُرُ» را صرف کرده و در دفتر خود بنویسید.

درس هفتم

فعل جَحْد منفی با «لَمْ» جازمه

اگر حرف «**لَمْ**» جازمه را بر فعل مضارع بیاوریم آن را منفی می‌کند و در اصطلاح علم صرف آن را «**فعل جَحْد**» می‌نامند.

حرف «**لَمْ**» جازمه در فعل مضارع بشرح ذیل عمل می‌کند:

۱ـ عمل لفظی:

الف ـ حرف آخر پنج صیغه را جزم می‌دهد در صورتی که حرف علت نباشد، مانند: «**لَمْ يَضْرِبْ**» و آن پنج صیغه عبارتند از:

۱ـ واحد مذکر غایب ۲ـ واحد مؤنث غایب ۳ـ واحد مذکر حاضر ۴ـ واحد متکلّم ۵ـ جمع متکلّم.

ب ـ اگر حرف آخر آن، حرف علت باشد، آن را ساقط می‌کند مانند: **لَمْ يَدْعُ، لَمْ يَرْمِ، لَمْ يَخْشَ.** حرف علت سه تا هستند: «واو، الف، ی»

ج ـ نون اعرابی را از هفت صیغه ساقط می‌کند، مانند: «**لَمْ يَضْرِبَا**» و آن هفت صیغه عبارتند از:

۱ـ تثنیه مذکر غایب ۲ـ تثنیه مؤنث غایب ۳ـ تثنیه مذکر حاضر ۴ـ تثنیه مؤنث حاضر ۵ـ جمع مذکر غایب ۶ـ جمع مذکر حاضر ۷ـ واحد مؤنث حاضر.

۲ـ عمل معنوی:

د- فعل مستقبل را از نظر معنی به ماضی منفی تبدیل می‌کند و در جمع مؤنث غایب و حاضر هیچگونه عمل لفظی نمی‌کند.

صرف فعل جحد منفی معلوم با «لَمْ» جازمه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱- لَمْ یَضْرِبْ	آن یک مرد نزده‌است	۸- لَمْ تَضْرِبَا	شما دو مرد نزده‌اید
۲- لَمْ یَضْرِبَا	آن دو مرد نزده‌اند	۹- لَمْ تَضْرِبُوْا	شماهمه‌مردان‌نزده‌اید
۳- لَمْ یَضْرِبُوْا	آن‌همه‌مردان نزده‌اند	۱۰- لَمْ تَضْرِبِیْ	تو یک زن نزده‌ای
۴- لَمْ تَضْرِبْ	آن یک زن نزده‌است	۱۱- لَمْ تَضْرِبَا	شما دو زن نزده‌اید
۵- لَمْ تَضْرِبَا	آن دو زن نزده‌اند	۱۲- لَمْ تَضْرِبْنَ	شما همه زنان نزده‌اید
۶- لَمْ یَضْرِبْنَ	آن همه زنان نزده‌اند	۱۳- لَمْ اَضْرِبْ	نزده‌ام
۷- لَمْ تَضْرِبْ	تو یک مرد نزده‌ای	۱۴- لَمْ نَضْرِبْ	نزده‌ایم

صرف فعل جحد منفی مجهول با «لَمْ» جازمه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَمْ يُضْرَبْ	آن یک مرد زده نشده‌است	۸ـ لَمْ تُضْرَبَا	شمادو مرد زده‌نشده‌اید
۲ـ لَمْ يُضْرَبَا	آن دو مرد زده نشده اند	۹ـ لَمْ تُضْرَبُوْا	شماهمه‌مردان‌زده‌نشده‌اید
۳ـ لَمْ يُضْرَبُوْا	آن همه مردان زده نشده‌اند	۱۰ـ لَمْ تُضْرَبِيْ	تو یک زن زده‌نشده‌ای
۴ـ لَمْ تُضْرَبْ	آن‌یک زن زده‌نشده‌است	۱۱ـ لَمْ تُضْرَبَا	شمادوزن زده‌نشده‌اید
۵ـ لَمْ تُضْرَبَا	آن دو زن زده‌نشده‌اند	۱۲ـ لَمْ تُضْرَبْنَ	شما همه زنان زده نشده‌اید
۶ـ لَمْ يُضْرَبْنَ	آن همه زنان زده نشده‌اند	۱۳ـ لَمْ أُضْرَبْ	زده‌نشده‌ام
۷ـ لَمْ تُضْرَبْ	تو یک مرد زده نشده‌ای	۱۴ـ لَمْ نُضْرَبْ	زده‌نشده‌ایم

پرسش و تمرین

۱ـ فعل مضارعی را که با «لَمْ» نفی شده چه می‌نامند؟

۲ـ «لَمْ» جازمه در فعل مضارع چه عملی انجام می‌دهد؟

۳ـ فعل مضارع بوسیلهٔ «لَمْ» به کدام فعل منفی تبدیل می‌شود؟

۴ـ اگر در آخر صیغه‌های فعل مضارع، حرف علت باشد، «لَمْ» چه عملی در آنها انجام می‌دهد؟

۵ـ چهار صیغه بنویسید که «لَمْ» هیچگونه عملی در آنها نکرده.

۶ـ چهار صیغه بنویسید که «لَمْ» نون اعرابی آنها را ساقط کرده است.

۷ـ فعل **جَحْد** معلوم را صرف نموده با ترجمه در دفتر خویش بنویسید.

۸ـ «لَمْ» در صیغه‌های زیر چه عملی انجادم داده:

لَمْ تَضْرِبَا	لَمْ يَدْعُوْا	لَمْ تَضْرِبِىْ
لَمْ اَخْشَ	لَمْ تُضْرَبْنَ	لَمْ يُضْرَبْنَ

درس هشتم

فعل مستقبل مؤکّد با لام و نون تأکید

اگر بخواهیم فعل مستقبلی را تأکید کنیم، در اوّل آن، «لام مفتوحه» و در آخر آن، حرف «نون» می‌آوریم، و آن دو را، «لام تأکید» و «نون تأکید» می‌نامند.

نون تأکید بر دو قسم است:

۱ـ نون ثقیله: به نون مشدّدی گفته می‌شود که در واقع، دو نون هستند که در یکدیگر ادغام شده‌اند مانند: **«لَيَضْرِبَنْنَ ← لَيَضْرِبَنَّ»**

۲ـ نون خفیفه: به نون ساکنی گفته می‌شود که در آخر فعل مستقبل می‌آید مانند: **«لَيَضْرِبَنْ»**

در صورت وجود «نون تأکید ثقیله» در فعل مضارع، تغییرات ذیل در آن پیدا می‌شود:

الف ـ نون تأکید ثقیله در آخر هر چهارده صیغه می‌آید و حرف پیش از آن در این پنج محل مفتوح می‌شود:

۱ـ واحد مذکر غایب ۲ـ واحد مؤنث غایب ۳ـ واحد مذکر حاضر ۴ـ واحد متکلّم ۵ـ جمع متکلّم

ب ـ معنای آن را مؤکّد و محکم می‌کند.

ج ـ در این شش صیغه پیش از «نون ثقیله»، الف می‌آید: ۱ـ تثنیه

مذکر غایب ۲ـ تثنیه مؤنث غایب ۳ـ تثنیه مذکر حاضر ۴ـ تثنیه مؤنث حاضر ۵ـ جمع مؤنث غایب ۶ـ جمع مؤنث حاضر

د ـ در دو صیغهٔ جمع مذکر حاضر و جمع مذکر غایب، «واو» جمع حذف می‌شود و ماقبل واو همچنان مضموم می‌ماند تا بر حذف واو دلالت کند. مانند:

«**لَيَضْرِبُنَّ**»، «**لَتَضْرِبُنَّ**» و در صیغهٔ واحد مؤنث مخاطب، «یاء» حذف می‌شود و ماقبل آن مکسور می‌ماند تا بر حذف یاء دلالت نماید.

هـ ـ «نون ثقیله» در شش صیغه مکسور می‌شود و آنها صیغه‌هایی هستند که پیش از نون، «**الف**» می‌آید.

و در هشت صیغهٔ دیگر، مفتوح می‌شود.

و ـ «نون خفیفه» بر شش صیغه‌ای که پیش از نون، الف می‌آید، وارد نمی‌شود. زیرا که در اینصورت «اجتماع ساکنین» می‌شود (و آن ممنوع است) و بر بقیه صیغه‌ها وارد می‌شود.

همچنین «نون اعرابی» با «نون تأکید» جمع نمی‌شود.

صرف فعل مستقبل معلوم مؤکّد با لام و نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَیَضْرِبَنَّ	باید حتماً یک مرد بزند	۸ـ لَتَضْرِبَانِّ	بایدحتماًشمادومردبزنید
۲ـ لَیَضْرِبَانِّ	باید حتماً دومرد بزنند	۹ـ لَتَضْرِبُنَّ	بایدحتماًشمامردانبزنید
۳ـ لَیَضْرِبُنَّ	باید حتماًهمهمردانبزنند	۱۰ـ لَتَضْرِبِنَّ	بایدحتماًتویکزن بزنی
۴ـ لَتَضْرِبَنَّ	باید حتماً یکزن بزند	۱۱ـ لَتَضْرِبَانِّ	بایدحتماًشمادوزن بزنید
۵ـ لَتَضْرِبَانِّ	بایدحتماًدو زن بزنند	۱۲ـ لَتَضْرِبْنَانِّ	بایدحتماًشماهمهزنانبزنید
۶ـ لَیَضْرِبْنَانِّ	بایدحتماًهمهزنانبزنند	۱۳ـ لَاَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنم
۷ـ لَتَضْرِبَنَّ	بایدحتماًتویکمردبزنی	۱۴ـ لَنَضْرِبَنَّ	باید حتماًبزنیم

صرف فعل مستقبل مجهول مؤکّد با لام و نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَيُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۸ـ لَتُضْرَبَانِّ	باید حتماً شما دو مرد زده شوید
۲ـ لَيُضْرَبَانِّ	باید حتماً آن دو مرد زده شوند	۹ـ لَتُضْرَبُنَّ	باید حتماً شما مردان زده شوید
۳ـ لَيُضْرَبُنَّ	باید حتماً همه آن مردان زده شوند	۱۰ـ لَتُضْرَبِنَّ	باید حتماً تو یک زن زده شوی
۴ـ لَتُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک زن زده شود	۱۱ـ لَتُضْرَبَانِّ	باید حتماً شما دو زن زده شوید
۵ـ لَتُضْرَبَانِّ	باید حتماً آن دو زن زده شوند	۱۲ـ لَتُضْرَبْنَانِّ	باید حتماً شما همه زنان زده شوید
۶ـ لَيُضْرَبْنَانِّ	باید حتماً آن همه زنان زده شوند	۱۳ـ لَأُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شوم
۷ـ لَتُضْرَبَنَّ	باید حتماً تو یک مرد زده شوی	۱۴ـ لَنُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شویم

صرف فعل مستقبل معلوم مؤکّد با لام و نون تأکید خفیفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لَیَضْرِبَنْ	باید البته آن یک مرد بزند
۲ـ لَیَضْرِبُنْ	باید البته آن همه مردان بزنند
۳ـ لَتَضْرِبَنْ	باید البته آن یک زن بزند
۴ـ لَتَضْرِبَنْ	باید البته تو یک مرد بزنی
۵ـ لَتَضْرِبُنْ	باید البته شما همه مردان بزنید
۶ـ لَتَضْرِبِنْ	باید البته تو یک زن بزنی
۷ـ لَاَضْرِبَنْ	باید البته بزنم
۸ـ لَنَضْرِبَنْ	باید البته بزنیم

صرف فعل مستقبل مجهول مؤکد با لام و نون تأکید خفیفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لَيُضْرَبَنْ	باید البته آن یک مرد زده‌شود
۲ـ لَيُضْرَبُنْ	باید البته آن همه مردان زده‌شوند
۳ـ لَتُضْرَبَنْ	باید البته آن یک زن زده‌شود
۴ـ لَتُضْرَبَنْ	باید البته تو یک مرد زده‌شوی
۵ـ لَتُضْرَبُنْ	باید البته شما همه مردان زده‌شوید
۶ـ لَتُضْرَبِنْ	باید البته تو یک زن زده‌شوی
۷ـ لَأُضْرَبَنْ	باید البته زده‌شوم
۸ـ لَنُضْرَبَنْ	باید البته زده‌شویم

پرسش و تمرین

۱ـ فعل مستقبل چگونه مؤکّد می‌شود؟
۲ـ نون تأکید خفیفه و ثقیله چه فرقی با هم دارند؟
۳ـ سه مورد از عمل «نون تاکید ثقیله» را در فعل مستقبل بگوئید.
۴ـ نون خفیفه بر چند صیغه وارد نمی‌شود؟
۵ـ نون إعْرابی باکدام نون جمع نمی‌شود؟
۶ـ نون تأکید و نون اعرابی چه فرقی با هم دارند؟
۷ـ سه صیغه بنویسید که نون ثقیله در آنها مکسور باشد.
۸ـ چهار صیغه را نخست با نون ثقیله و سپس با نون خفیفه تأکید نمائید.
۹ـ صیغه‌هائی راکه حرف ماقبل نون ثقیله مفتوح می‌شود بنویسید.
۱۰ـ «نون»هایی که تا حال خوانده‌اید نام برده فرق آنان را توضیح دهید.

درس نهم

روش ساختن فعل امر

فعل امر از فعل مضارع ساخته می‌شود، هر صیغهٔ امر از همان صیغهٔ مضارع. مثلاً؛ غایب از غایب، مخاطب از مخاطب، متکلّم از متکلّم، معلوم از معلوم و مجهول از مجهول ساخته می‌شود.

روش ساخت امر حاضر معلوم بشرح زیر است:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ اگر حرف بعد از علامت مضارع متحرّک بماند، آخر واحد مذکر را ساکن و از بقیه، نون اعرابی را حذف می‌کنیم.

مانند: از «**تَعِدُ**» ← **عِدُ** ← **عِدْ**

و از «**تَعِدَانِ**» ← **عِدَانِ** ← **عِدَا**

۳ـ حرف آخر را در صورتی ساکن می‌کنیم که حرف علّت نباشد اگر حرف علّت باشد، آن را حذف می‌کنیم مانند:

از «**تَقِيُ**» ← **قِيْ** ← **قِ**.

۴ـ اگر حرف بعد از علامت مضارع ساکن باشد، در اوّل آن، همزهٔ وصل اضافه می‌کنیم. با این تفصیل که چنانچه «عین الفعل» مضارع مفتوح یا مکسور باشد، همزهٔ وصل را کسره می‌دهیم و چنانچه مضموم

باشد، همزه را ضمه می‌دهیم مانند:

ـ **فتحهٔ عین**: از «**تَفْتَحُ**» ـــــ› **فْتَحُ** ـــــ› **اِفْتَحْ**

ـ **کسره عین**: از «**تَضْرِبُ**» ـــــ› **ضْرِبُ** ـــــ› **اِضْرِبْ**

ـ **ضمه عین**: از «**تَنْصُرُ**» ـــــ› **نْصُرُ** ـــــ› **اُنْصُرْ**

در این قانون هم، سکون حرف آخر امر، مشروط به نبودن حرف علّت است و اگر حرف علّت باشد، حذف می‌شود مانند:

ـ **فتحه عین** با حذف حرف علّت: از **تَخْشیٰ** ـــــ› **خْشَ** ـــــ› **اِخْشَ**

ـ **کسره عین** با حذف حرف علّت: از **تَرْمِیْ** ـــــ› **رْمِ** ـــــ› **اِرْمِ**

ـ **ضمه عین** با حذف حرف علت: از **تَدْعُوْ** ـــــ› **دْعُ** ـــــ› **اُدْعُ**

روش ساختن امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول

۱ـ در اول هر صیغه «لام امر مکسور» اضافه می‌کنیم.

۲ـ صیغه‌هایی که نون اِعرابی داشته باشند، آن را حذف می‌کنیم و صیغه‌هایی که نون اعرابی ندارند، حرف آخر آنها را ساکن می‌کنیم. بشرط اینکه حرف آخر، حرف علّت نباشد. و اگر حرف علّت باشد، آن را حذف می‌کنیم مانند: **لِيَدْعُ** ـــــ› **لِيَدْعُوْا** **لِيَرْمِ** ـــــ› **لِيَرْمِیْ**.

تذکر ۱ـ نون‌های تأکید (ثقیله و خفیفه) همانند مضارع در فعل امر، نیز بکار گرفته می‌شوند.

تذکر ۲ـ دو صیغهٔ متکلّم، معمولاً در امر غایب بکار گرفته می‌شوند در امر حاضر از آنها استفاده نمی‌شود.

صرف امر حاضر معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـاِضْرِبْ	تو یک مرد بزن	۴ـاِضْرِبِیْ	تو یک زن بزن
٢ـاِضْرِبَا	شما دو مرد بزنید	۵ـاِضْرِبَا	شما دو زن بزنید
٣ـاِضْرِبُوْا	شما مردان بزنید	۶ـاِضْرِبْنَ	شما زنان بزنید

صرف امر حاضر مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـلِتُضْرَبْ	تویک‌مردبایدزده‌شوی	۴ـلِتُضْرَبِیْ	تویک زن‌بایدزده‌شوی
٢ـلِتُضْرَبَا	شمادو مردبایدزده‌شوید	۵ـلِتُضْرَبَا	شما دوزن‌بایدزده‌شوید
٣ـلِتُضْرَبُوْا	شمامردان‌بایدزده‌شوید	۶ـلِتُضْرَبْنَ	شمازنان بایدزده‌شوید

صرف امر غایب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِیَضْرِبْ	باید یک مرد بزند	۵ـ لِتَضْرِبَا	باید دو زن بزنند
۲ـ لِیَضْرِبَا	باید دو مرد بزنند	۶ـ لِیَضْرِبْنَ	باید همهٔ زنان بزنند
۳ـ لِیَضْرِبُوْا	باید همهٔ مردان بزنند	۷ـ لِاَضْرِبْ	باید بزنم
۴ـ لِتَضْرِبْ	باید یک زن بزند	۸ـ لِنَضْرِبْ	باید بزنیم

صرف امر غایب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِیُضْرَبْ	باید یک مرد زده‌شود	۵ـ لِتُضْرَبَا	باید دو زن زده‌شوند
۲ـ لِیُضْرَبَا	باید دو مرد زده‌شوند	۶ـ لِیُضْرَبْنَ	باید همهٔ زنان زده‌شوند
۳ـ لِیُضْرَبُوْا	باید همهٔ مردان‌زده‌شوند	۷ـ لِاُضْرَبْ	باید زده‌شوم
۴ـ لِتُضْرَبْ	باید یک زن زده‌شود	۸ـ لِنُضْرَبْ	باید زده‌شویم

صرف امر حاضر معلوم با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ اِضْرِبَنَّ	حتماًتو یک مرد بزن	۴ـ اِضْرِبِنَّ	حتماًتو یک زن بزن
۲ـ اِضْرِبَانِّ	حتماً شمادومردبزنید	۵ـ اِضْرِبَانِّ	حتماً شما دو زن‌بزنید
۳ـ اِضْرِبُنَّ	حتماً شما مردان‌بزنید	۶ـ اِضْرِبْنَانِّ	حتماً شما زنان بزنید

صرف امر حاضر مجهول با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِتُضْرَبَنَّ	باید حتماًتویک‌مردزده‌شوی	۴ـ لِتُضْرَبِنَّ	باید حتماًتویک زن‌زده‌شوی
۲ـ لِتُضْرَبَانِّ	باید حتماًشمادومردزده‌شوید	۵ـ لِتُضْرَبَانِّ	باید حتماًشمادوزن‌زده‌شوید
۳ـ لِتُضْرَبُنَّ	بایدحتماًشمامردان‌زده‌شوید	۶ـ لِتُضْرَبْنَانِّ	بایدحتماًشمازنان‌زده‌شوید

صرف امر غایب معلوم با نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِیَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد بزند	۵ـ لِتَضْرِبَانِّ	باید حتماً آن دو زن بزنند
۲ـ لِیَضْرِبَانِّ	باید حتماً آن دو مرد بزنند	۶ـ لِیَضْرِبْنَانِّ	باید حتماً آن همه زنان بزنند
۳ـ لِیَضْرِبُنَّ	باید حتماً آن همهٔ مردان بزنند	۷ـ لِاَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنم
۴ـ لِتَضْرِبَنَّ	باید حتماً آن یک زن بزند	۸ـ لِنَضْرِبَنَّ	باید حتماً بزنیم

صرف امر غایب مجهول با نون تأکید ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِیُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۵ـ لِتُضْرَبَانِّ	باید حتماً آن دو زن زده شوند
۲ـ لِیُضْرَبَانِّ	باید حتماً آن دو مرد زده شوند	۶ـ لِیُضْرَبْنَانِّ	باید حتماً آن همهٔ زنان زده شوند
۳ـ لِیُضْرَبُنَّ	باید حتماً آن همهٔ مردان زده شوند	۷ـ لِاُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شوم
۴ـ لِتُضْرَبَنَّ	باید حتماً آن یک زن زده شود	۸ـ لِنُضْرَبَنَّ	باید حتماً زده شویم

صرف امر حاضر معلوم و مجهول با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ اِضْرِبَنْ	حتماًتو یک مرد بزن	۴ـ لِتُضْرَبَنْ	البته باید تو یک مرد زده شوی
۲ـ اِضْرِبُنْ	حتماً شما همه مردان بزنید	۵ـ لِتُضْرَبُنْ	البته باید شما همه مردان زده شوید
۳ـ اِضْرِبِنْ	حتماً تو یک زن بزن	۶ـ لِتُضْرَبِنْ	البته باید تو یک زن زده شوی

صرف امر غایب معلوم با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِیَضْرِبَنْ	باید حتماً آن یک مرد بزند	۴ـ لِاَضْرِبَنْ	باید حتماً بزنم
۲ـ لِیَضْرِبُنْ	باید حتماً آن همه مردان بزنند	۵ـ لِنَضْرِبَنْ	باید حتماًبزنیم
۳ـ لِتَضْرِبَنْ	باید حتماً آن یک زن بزند		

صرف امر غایب مجهول با نون خفیفه

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لِیُضْرَبَنْ	باید حتماً آن یک مرد زده شود	۴ـ لِاُضْرَبَنْ	باید حتماً زده شوم
۲ـ لِیُضْرَبُنْ	باید حتماً آن همه مردان زده شوند	۵ـ لِنُضْرَبَنْ	باید حتماًزده شویم
۳ـ لِتُضْرَبَنْ	باید حتماً آن یک زن زده شود		

پرسش و تمرین

۱ـ روش ساخت امر حاضر را شرح دهید.
۲ـ اگر عین فعل مضارع مضموم باشد به همزهٔ وصل امر چه حرکتی داده می‌شود؟
۳ـ روش ساخت امر حاضر مجهول و غایب معلوم و مجهول را شرح دهید.
۴ـ در چه صورتی در اوّل مضارع همزه وصل مکسور می‌آوریم؟
۵ـ امر حاضر را از «تَسْمَعُ» بنا کنید.
۶ـ نوع امر و صیغه را در فعل‌های زیر مشخص کنید:
اُنْصُرِیْ ـ اُنْصُرْنَ ـ لِیَنْصُرْنَانِّ ـ لِنَنْصُرْ ـ لِأَنْصُرَنَّ ـ لِیُنْصَرَنَّ ـ لِتُنْصَرَنَّ.
۷ـ امر حاضر معلوم را با نون ثقیله صرف نمائید.
۸ـ تمام انواع فعل امر را در دفتر خویش نوشته و ترجمه کنید.
۹ـ «لام امر» و «لام تأکید» چه فرقی با هم دارند؟ توضیح دهید.

درس دهم

روش ساخت فعل نهی

فعل نهی از فعل مضارع ساخته می‌شود بدین طریق که «**لاَی**» نهی در اول فعل مضارع می‌آوریم و آن را نهی می‌سازیم. «**لاَی**» نهی بشرح زیر در فعل مضارع عمل می‌کند:

الف ـ آخر پنج صیغه را مانند «**لَمْ**» جازمه مجزوم می‌سازد. و اگر حرف آخر آن، حرف علّت باشد، آن را ساقط می‌کند.

بـ نون اعرابی را در هفت صیغه ساقط می‌کند و در دو صیغهٔ جمع مؤنث حاضر و جمع مؤنث غایب هیچ عمل لفظی نمی‌کند.

نون تأکید همانگونه که در آخر فعل مضارع می‌آید در آخر فعل نهی هم می‌آید.

صرف فعل نهی مخاطب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَتَضْرِبْ	تو یک مرد نزن	۴ـ لاَتَضْرِبِیْ	تو یک زن نزن
۲ـ لاَتَضْرِبَا	شما دو مرد نزنید	۵ـ لاَتَضْرِبَا	شما دو زن نزنید
۳ـ لاَتَضْرِبُوْا	شما همه مردان نزنید	۶ـ لاَتَضْرِبْنَ	شما همه زنان نزنید

صرف فعل نهی مخاطب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَتُضْرَبْ	تو یک مرد زده‌نشو	۴ـ لاَتُضْرَبِیْ	تو یک زن زده‌نشو
۲ـ لاَتُضْرَبَا	شما دو مرد زده‌نشوید	۵ـ لاَتُضْرَبَا	شما دو زن زده‌نشوید
۳ـ لاَتُضْرَبُوْا	شما همه مردان‌زده‌نشوید	۶ـ لاَتُضْرَبْنَ	شما همه زنان‌زده‌نشوید

صرف فعل نهی غایب معلوم

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیَضْرِبْ	بایدآن یک مرد نزند	۵ـ لاَتَضْرِبَا	باید آن دو زن نزنند
۲ـ لاَیَضْرِبَا	بایدآن دو مرد نزنند	۶ـ لاَیَضْرِبْنَ	بایدآن همه زنان نزنند
۳ـ لاَیَضْرِبُوْا	باید آن همه مردان نزنند	۷ـ لاَاَضْرِبْ	باید نزنم
۴ـ لاَتَضْرِبْ	بایدآن یک زن نزند	۸ـ لاَنَضْرِبْ	باید نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیُضْرَبْ	بایدآن یک مردزده‌نشود	۵ـ لاَتُضْرَبَا	باید آن دوزن‌زده‌نشوند
۲ـ لاَیُضْرَبَا	بایدآن‌دومرد زده‌نشوند	۶ـ لاَیُضْرَبْنَ	بایدآن همه‌زنان‌زده‌نشوند
۳ـ لاَیُضْرَبُوْا	بایدآن‌همه‌مردان‌زده‌نشوند	۷ـ لاَاُضْرَبْ	باید زده‌نشوم
۴ـ لاَتُضْرَبْ	بایدآن‌یک‌زن زده‌نشود	۸ـ لاَنُضْرَبْ	باید زده‌نشویم

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکّد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَاتَضْرِبَنَّ	بایدتو یک مردنزنی	۴ـ لَاتَضْرِبَنَّ	بایدتو یک زن نزنی
۲ـ لَاتَضْرِبَانِّ	باید شما دو مرد نزنید	۵ـ لَاتَضْرِبَانِّ	باید شما دو زن نزنید
۳ـ لَاتَضْرِبُنَّ	باید شما همه مردان نزنید	۶ـ لَاتَضْرِبْنَانِّ	باید شما همه زنان نزنید

صرف فعل نهی مخاطب مجهول مؤکّد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ لَاتُضْرَبَنَّ	بایدتو یک‌مردزده‌نشوی	۴ـ لَاتُضْرَبِنَّ	بایدتویک‌زن‌زده‌نشوی
۲ـ لَاتُضْرَبَانِّ	بایدشمادومردزده‌نشوید	۵ـ لَاتُضْرَبَانِّ	بایدشمادوزن‌زده‌نشوید
۳ـ لَاتُضْرَبُنَّ	بایدشماهمه‌مردان‌زده‌نشوید	۶ـ لَاتُضْرِبْنَانِّ	باید شما همه زنان‌زده نشوید

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکّد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ لاَیَضْرِبَنَّ	بایدالبته آن یک مردنزند	٥ـ لاَتَضْرِبَانِّ	بایدالبته‌دوزن نزنند
٢ـ لاَیَضْرِبَانِّ	باید البته دو مرد نزنند	٦ـ لاَیَضْرِبْنَانِّ	باید البته زنان نزنند
٣ـ لاَیَضْرِبُنَّ	باید البته‌مردان نزنند	٧ـ لاَاَضْرِبَنَّ	بایدالبته نزنم
٤ـ لاَتَضْرِبَنَّ	باید البته یک زن نزند	٨ـ لاَنَضْرِبَنَّ	باید البته نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول مؤکّد با نون ثقیله

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
١ـ لاَیُضْرَبَنَّ	باید البته یک مرد زده نشود	٥ـ لاَتُضْرَبَانِّ	بایدالبته‌دوزن زده‌نشوند
٢ـ لاَیُضْرَبَانِّ	باید البته دو مرد زده‌نشوند	٦ـ لاَیُضْرَبْنَانِّ	باید البته زنان زده‌نشوند
٣ـ لاَیُضْرَبُنَّ	باید البته‌مردان زده‌نشوند	٧ـ لاَاُضْرَبَنَّ	بایدالبته زده‌نشوم
٤ـ لاَتُضْرَبَنَّ	باید البته یک زن زده‌نشود	٨ـ لاَنُضْرَبَنَّ	باید البته زده‌نشویم

صرف فعل نهی مخاطب معلوم مؤكّد با نون خفيفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لاتَضْرِبَنْ	باید البته تو یک مردنزنی
۲ـ لاتَضْرِبُنْ	باید البته شما مردان نزنید
۳ـ لاتَضْرِبِنْ	باید البته تو یک زن نزنی

صرف فعل نهی مخاطب مجهول مؤكّد با نون خفيفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لاتُضْرَبَنْ	باید البته تو یک مرد زده‌نشوی
۲ـ لاتُضْرَبُنْ	باید البته شما مردان زده‌نشوید
۳ـ لاتُضْرَبِنْ	باید البته تو یک زن زده‌نشوی

صرف فعل نهی غایب معلوم مؤکّد با نون خفیفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیَضْرِبَنْ	باید البته یک مرد نزند
۲ـ لاَیَضْرِبُنْ	باید البته مردان نزنند
۳ـ لاَتَضْرِبَنْ	بایدالبته یک زن نزند
۴ـ لاَاَضْرِبَنْ	باید البته نزنم
۵ـ لاَنَضْرِبَنْ	باید البته نزنیم

صرف فعل نهی غایب مجهول مؤکّد با نون خفیفه

صیغه	ترجمه
۱ـ لاَیُضْرَبَنْ	باید البته یک مرد زده‌نشود
۲ـ لاَیُضْرَبُنْ	باید البته مردان زده‌نشوند
۳ـ لاَتُضْرَبَنْ	بایدالبته یک زن زده‌نشود
۴ـ لاَاُضْرَبَنْ	باید البته زده‌نشوم
۵ـ لاَنُضْرَبَنْ	باید البته زده‌نشویم

پرسش و تمرین

۱ـ روش ساخت فعل نهی غایب را شرح دهید.

۲ـ «لای» نهی در فعل مضارع چه تغییری انجام می‌دهد؟

۳ـ آیا نون تأکید در آخر فعل نهی هم می‌آید؟

۴ـ از «**تَنْصُرُ**» فعل نهی مخاطب بسازید.

۵ـ در صیغه‌های زیر نوع نهی و نوع صیغه را مشخص سازید:

لاَتَنْصُرْ ـ لاَأَنْصُرْ ـ لاَتَنْصُرَنَّ ـ لاَيَنْصُرْنَانِّ ـ لاَتُنْصَرَنَّ

۶ـ فعل نهی غایب معلوم با نون ثقیله را صرف نمائید.

۷ـ همهٔ انواع فعل نهی را حفظ نموده، با ترجمه در دفتر تمرین خویش بنویسید.

۸ـ «لای نهی» و «لای نفی» چه فرقی با هم دارند؟ توضیح دهید.

درس یازدهم

روش ساخت اسم فاعل و اسم مفعول از «ثلاثی مجرّد»[1]

تعریف اسم فاعل: اسم فاعل به اسمی گفته می‌شود که بر کنندهٔ کار یا دارندهٔ حالتی دلالت کند مانند: **ضَارِبٌ** (زننده)، **کَرِیمٌ** (بزرگوار).

اسم فاعل از فعل مضارع معلوم با قوانین زیر ساخته می‌شود:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ فاءالفعل را فتحه می‌دهیم.

۳ـ بین فاءالفعل و عین الفعل، الف (که علامت فاعل است) اضافه می‌نمائیم.

۴ـ لام الفعل را تنوین (که علامت اسم است) می‌دهیم.

مانند: **یَضْرِبُ ← ضَارِبٌ**

صرف اسم فاعل

صیغه	ترجمه	صیغه	ترجمه
۱ـ ضَارِبٌ	یک مرد زننده	۴ـ ضَارِبَةٌ	یک زن زننده
۲ـ ضَارِبَانِ	دو مرد زننده	۵ـ ضَارِبَتَانِ	دو زن زننده
۳ـ ضَارِبُوْنَ	مردان زننده	۶ـ ضَارِبَاتٌ	زنان زننده

۱ـ ثلاثی مجرّد به کلماتی گفته می‌شود که فقط سه تا حرف اصلی داشته باشد و بس.

تعریف اسم مفعول: اسم مفعول اسمی است که بر کسی یا چیزی که فعل بر او واقع می‌شود، دلالت کند، مانند: **مَضْرُوْبٌ** (یک مرد زده‌شده) **مَنْصُوْرٌ** (یک مرد یاری‌شده)

اسم مفعول از فعل مضارع مجهول با قوانین زیر ساخته می‌شود:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ میم مفتوح را به جای علامت مضارع اضافه می‌کنیم.

۳ـ عین‌الفعل را ضمه می‌دهیم.

۴ـ بین عین‌الفعل و لام‌الفعل، واو ساکنی اضافه می‌کنیم.

۵ـ لام‌الفعل را تنوین می‌دهیم. مانند: **یَضْرِبُ ← مَضْرُوْبٌ**

صرف اسم مفعول

صیغه	ترجمه
۱ـ مَضْرُوْبٌ	یک مرد زده‌شده
۲ـ مَضْرُوْبَانِ	دو مرد زده‌شده
۳ـ مَضْرُوْبُوْنَ	مردان زده‌شده
۴ـ مَضْرُوْبَةٌ	یک زن زده‌شده
۵ـ مَضْرُوْبَتَانِ	دو زن زده‌شده
۶ـ مَضْرُوْبَاتٌ	زنان زده‌شده

پرسش و تمرین

۱ـ اسم فاعل از چه فعلی ساخته می‌شود؟
۲ـ چگونگی ساخت اسم فاعل را شرح دهید.
۳ـ نحوهٔ ساختن اسم مفعول را شرح دهید.
۴ـ اسم فاعل و اسم مفعول را صرف نموده، حفظ نمائید.
۵ـ دو صیغهٔ اسم فاعل مؤنث و دو صیغهٔ اسم مفعول مؤنث بنویسید.
۶ـ معنی صیغه‌های زیر را بنویسید.

ضَارِبَانِ　　ضَارِبَةٌ　　مَضْرُوْبُوْنَ
مَضْرُوْبَاتٌ　　مَضْرُوْبٌ

۷ـ از یَنْصُرُ و یُنْصَرُ اسم فاعل و اسم مفعول بسازید و تمام صیغه‌های آنها را با ترجمه بنویسید.

درس دوازدهم

اسم ظرف زمان، مکان و اسم آله

ظرف زمان و مکان به اسمی گفته می‌شود که بر زمان وقوع فعل یا محل وقوع فعل دلالت نماید و آنرا از فعل مضارع بشرح ذیل می‌سازند:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ بجای آن، میم مفتوح اضافه می‌نمائیم.

۳ـ اگر عین‌الفعل مضموم باشد آنرا فتحه می‌دهیم وگرنه بحال خود می‌گذاریم.

۴ـ لام الفعل صیغهٔ واحد را تنوین می‌دهیم.

صرف اسم ظرف

صیغه	ترجمه
۱ـ مَضْرَبٌ	یک جای یا یک زمان زدن
۲ـ مَضْرَبَان	دو جای یا دو زمان زدن
۳ـ مَضَارِبُ	جاها یا زمانهای زدن

اسم آله: اسمی است که بر واسطه و ابزار فعل و عملی دلالت کند و

از فعل مضارع به شرح زیر ساخته می‌شود:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ بجای آن، میم مکسور می‌آوریم.

۳ـ در صورتیکه عین الکلمه مفتوح نباشد، آنرا فتحه می‌دهیم.

۴ـ روی لام الفعل تنوین می‌آوریم و اگر بعد از عین‌الفعل، الف آورده شود، یا بعد از لام الفعل حرف تا اضافه شود، دو صیغهٔ دیگر اسم آله که غالباً مطابق قیاس است به دست می‌آید.

صرف اسم آله

صیغه	ترجمه
۱ـ مِضْرَبٌ	یک آلهٔ زدن
۲ـ مِضْرَبَةٌ	یک آلهٔ زدن
۳ـ مِضْرَبَانِ	دو آلهٔ زدن
۴ـ مِضْرِبَتَانِ	دو آله زدن
۵ـ مَضَارِبُ	آله‌های زدن
۶ـ مِضْرَابٌ	یک آلهٔ زدن
۷ـ مَضْرَابَانِ	دو آلهٔ زدن
۸ـ مَضَارِيْبُ	آله‌های زدن

پرسش و تمرین

۱ـ روش ساخت اسم ظرف زمان و مکان را شرح دهید.

۲ـ اسم آله چگونه ساخته می‌شود؟

۳ـ اسم ظرف دارای چند صیغه می‌باشد؟

۴ـ اسم آله چند صیغه دارد؟ توضیح دهید.

۵ـ اسم ظرف زمان و مکان و اسم آله را صرف نموده، در دفتر تمرین خویش با ترجمه بنویسید.

۶ـ از صیغه‌های زیر ظرف زمان و مکان و اسم آله را مشخص سازید:

مَحْضَرٌ ـ مِرْوَحَةٌ ـ مِفْتَاحٌ ـ مَطْبَخٌ ـ مِبْرَدٌ ـ مَقْصَدٌ ـ مَقَاصِدٌ.

۷ـ از **یَکْتُبُ** اسم آله بسازید و تمام صیغه‌های آن را با ترجمه بنویسید.

درس سیزدهم

اسم تفضیل: اسمی است که برای برتری دادن چیزی یا شخصی بر دیگری به کار می‌رود و از فعل مضارع به شرح زیر ساخته می‌شود:

اسم تفضیل مذکر را اینگونه می‌سازیم:

۱ـ علامت مضارع را حذف می‌کنیم.

۲ـ به جایش همزهٔ اسم تفضیل می‌آوریم.

۳ـ اگر عین‌الکلمه، مفتوح نباشد، آنرا فتحه می‌دهیم.

روش ساخت اسم تفضیل مؤنث

۱ـ پس از حذف علامت مضارع، فاءالفعل را ضمه می‌دهیم.

۲ـ عین الفعل را ساکن می‌کنیم.

۳ـ بعد از لام الفعل ـ الف مقصوره[1] ـ می‌آوریم.

۱ـ الف مقصوره به الفی گفته می‌شود که نوشتنش به صورت «ی» است و خواندنش به صورت الف باشد، مانند: موسیٰ.

صرف اسم تفضیل مذکر

صیغه	ترجمه
۱ـ اَضْرَبُ	یک مرد زننده‌تر
۲ـ اَضْرَبَانِ	دو مرد زننده‌تر
۳ـ اَضْرَبُوْنَ	مردان زننده‌تر
۴ـ اَضَارِبُ	مردان زننده‌تر

صرف اسم تفضیل مؤنث

صیغه	ترجمه
۱ـ ضُرْبیٰ	یک زن زننده‌تر
۲ـ ضُرْبَیَانِ	دو زن‌زننده‌تر
۳ـ ضُرْبَیَاتٌ	زنان زننده‌تر
۴ـ ضُرَبٌ	زنان زننده‌تر

پرسش و تمرین

۱ـروش ساخت اسم تفضیل مذکر را شرح دهید.

۲ـروش ساخت اسم تفضیل مؤنث را شرح دهید.

۳ـاسم تفضیل مذکر چند صیغه دارد؟

۴ـنوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

ضُرْبَیَاتٌ ـ ضُرَبُ ـ اَضَارِبُ ـ اَضْرَبُ

۵ـاز **یَکْتُبُ** اسم تفضیل مذکر و مؤنث بسازید و صیغه‌ها را با ترجمه آنها بنویسید.

تذکّر:

تا اینجا کتاب **میزان الصرف** به پایان رسید

دنباله آن کتاب **منشعب** تألیف "**ملاحمزه بدایونی**" هندی است که بنام خدا آغاز می‌کنیم.

درس چهاردهم

حروف اصلی و زائد، ثلاثی و رباعی

حروف بر دو گونه‌اند: اصلی و زائد.

حروف اصلی به حروفی گفته می‌شود که در مقابل سه حرف «فاو عین و لام» قرار داشته باشد.

تمام افعال متصرفه و اسمای معربه به دو قسم تقسیم می‌شوند:

۱ـ ثلاثی ۲ـ رباعی

ثلاثی یا سه حرفی آن است که فعل ماضی‌اش دارای سه حرف اصلی باشد. مانند: «**نَصَرَ، ضَرَبَ**»

ثلاثی بر دو نوع است: ۱ـ ثلاثی مجرد ۲ـ ثلاثی مزیدفیه.

ثلاثی مجرد آن است که صیغهٔ واحد مذکر غائب فعل ماضی آن دارای حرف زائد نباشد، مانند: «**ضَرَبَ، نَصَرَ**».

ثلاثی مزیدفیه آن است که صیغهٔ واحد مذکر غائب آن دارای حروف زاید باشد، مانند: «**أَكْرَمَ، ضَارَبَ**».

ثلاثی مجرد بر دو قسم است: یکی قیاسی یا مطرّد که اوزان بیشتر دارد، دوّم: شاذ و خلاف قیاس که اوزانش کمتر هستند.

پرسش و تمرین

۱ـ حروف اصلی و زاید چگونه شناخته می‌شوند؟ توضیح دهید.
۲ـ اقسام افعال متصرفه و اسمای معربه را بیان نمائید.
۳ـ ثلاثی و رباعی را تعریف نمائید.
۴ـ اقسام ثلاثی و رباعی را بیان نمائید.
۵ـ در کلمات ذیل ثلاثی و نوع آن را مشخص سازید:
شَرِيْفٌ ـ مَضْرُوْبٌ ـ يُكْرِمُ ـ ضَارَبَ.
۶ـ ثلاثی مجرد قیاسی و شاذ را تعریف کنید.

درس پانزدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۱)

ثلاثی مجرد قیاسی دارای پنج باب می‌باشد:

باب اوّل: بر وزن «**فَعَلَ یَفْعُلُ**» با فتح عین در ماضی و ضمّهٔ آن در مستقبل، مانند: «**اَلنَّصْرُ وَ اَلنُّصْرَةُ**» یاری نمودن که تصریفش به شرح زیر است:

نَصَرَ .... ماضی معلوم

یَنْصُرُ.. مضارع معلوم

نَصْراً.............. مصدر

فهو ـ نَاصِرٌ................................ اسم فاعل

و ـ نُصِرَ .... ماضی مجهول

یُنْصَرُ .... مضارع مجهول

نَصْراً.............. مصدر

فذاک ـ مَنْصُوْرٌ................................ اسم مفعول

ألامر ـ أُنْصُرْ................................ امر

و النهی ـ لاَتَنْصُرْ .... نهی

ألظرف ـ مَنْصَرٌ، مَنْصَرَان، مَنَاصِرُ.

و الآلة ـ مِنْصَرٌ، مِنْصَرَةٌ، مِنْصَارٌ، مِنْصَرَانِ، مَنَاصِرُ.

أفعل التفضیل ـ اَنْصَرُ، اَنْصَرَان، اَنْصَرُوْنَ، اَنَاصِرُ (اسم تفضیل مذکر)

نُصْرىٰ، نُصْرَيَانِ، نُصْرَيَاتٌ، نُصَرٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

أَلطَّلَبُ: جستن

أَلدُّخُوْلُ: درآمدن

أَلْقَتْلُ: کشتن

أَلْفَتْلُ: تافتن

باب دوّم: بروزن «**فَعَلَ يَفْعِلُ**» با فتح عین در ماضی و کسر آن در مستقبل، مانند: «**أَلضَّرْبُ وَ الضَّرْبَةُ**» زدن و رفتن برروی زمین و بیان کردن، تصریفش چنین است:

ضَرَبَ .... ماضی معلوم

يَضْرِبُ .... مضارع معلوم

ضَرْباً .... مصدر

فهو ـ ضَارِبٌ .... اسم فاعل

و ـ **ضُرِبَ** .... ماضی مجهول

يُضْرَبُ .... مضارع مجهول

ضَرْباً .... مصدر

فذاک ـ مَضْرُوْبٌ .... اسم مفعول

الامر ـ اِضْرِبْ .... امر

و **النهی ـ لاَتَضْرِبْ** .... نهی

الظرف ـ مَضْرَبٌ، مَضْرَبَانِ، مَضَارِبُ.

و الآلة ـ مَضْرَبٌ، مِضْرَبَةٌ، مِضْرَابٌ، مِضْرَبَانِ، مَضَارِيْبُ (همهٔ انواع اسم آله)

افعل التفضيل ـ اَضْرَبُ، اَضْرَبَانِ، اَضْرَبُوْنَ، اَضَارِبُ (اسم تفضيل مذكر) **ضُرْبیٰ، ضُرْبَیَانِ، ضُرْبَیَاتٌ، ضُرَبٌ** (اسم تفضيل مؤنث)

و از همين باب است:

اَلْغَلْبُ: غلبه كردن

اَلظُّلْمُ: ستم كردن

اَلْفَصْلُ: جدا كردن

اَلْغَسْلُ: شستن

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مجرد قیاسی چند باب دارد؟

۲ـ وزن باب اوّل را مشخص سازید.

۳ـ **اَلضَّرَبُ** و **اَلضَّرْبَةُ** بر چند معنی مستعمل می‌شود و در چه مواردی به کار می‌رود؟

۴ـ باب دوّم را از مصدر «**اَلْغَسْلُ**» و باب اوّل را از مصدر «**اَلطَّـلَبُ**» صرف نمائید.

۵ـ **اَلْفَصْلُ** و **اَلْقَتْلُ** از چه بابی هستند؟ مشخص سازید.

۶ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

لاَتَنْصُرْ ـ مِنْصَرَانِ ـ نُصْرَيَاتٌ ـ مِنْصَارٌ ـ ظُلْمىٰ ـ مَغْلُوْبٌ ـ اَغْلَبُ فُضْلىٰ ـ مَقْتُوْلٌ ـ قُتَلٌ.

۷ـ اسم آله را از مصدر «**اَلطَّلَبُ**» و اسم تفضیل مذکر را از مصدر «**اَلظُّلْمُ**» در دفتر تمرین خود بنویسید.

۸ـ صیغه‌های عربی را بنویسید.

یک زن یاری‌کننده ـ تو یک مرد واردشو ـ دو مرد مورد ستم قرار گرفته تو یک مرد ستم نکن ـ یک زن ستمکارتر ـ زنان کشته‌شده

درس شانزدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۲)

باب سوّم: بر وزن «**فَعِلَ يَفْعَلُ**» با کسر عین در ماضی و فتح آن در مستقبل، مانند: «**اَلسَّمْعُ وَ السِّمَاعُ**» شنیدن و گوش فراداشتن، تصریفش چنین است:

سَمِعَ .... ماضی معلوم

يَسْمَعُ .... مضارع معلوم

سَمْعاً .... مصدر

فهو ـ سَامِعٌ .... اسم فاعل

و ـ سُمِعَ .... ماضی مجهول

يُسْمَعُ .... مضارع مجهول

سَمْعاً .... مصدر

فذاک ـ مَسْمُوْعٌ .... اسم مفعول

الامر ـ اِسْمَعْ .... امر

و النهی ـ لاَتَسْمَعْ .... نهی

الظرف ـ مَسْمَعٌ، مَسْمَعَانِ، مَسَامِعُ، (مفرد، تثنیه، جمع)

و الآلة ـ مِسْمَعٌ، مِسْمَعَةٌ، مِسْمَاعٌ، مِسْمَعَانِ، مَسَامِيْعُ (انواع اسم آله)

افعل التفضیل ـ أَسْمَعُ، أَسْمَعَانِ، أَسْمَعُوْنَ، أَسَامِعُ (اسم تفضیل مذکر)

سُمْعیٰ، سُمْعَیَانِ، سُمْعَیَاتٌ، سُمَعٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

اَلْعِلْمُ: دانستن

اَلْفَهْمُ: دریافتن

اَلْحِفْظُ: نگاهداشتن

اَلشَّهَادَةُ: گواهی دادن

اَلْحَمْدُ: ستودن

اَلْجَهْلُ: نداستن

باب چهارم: بر وزن «**فَعَلَ یَفْعَلُ**» با فتح عین در ماضی و مضارع، مانند: «**اَلْفَتْحُ**»: گشودن و فتح‌کردن کشوری

تصریفش چنین است:

فَتَحَ .... ماضی معلوم

یَفْتَحُ .... مضارع معلوم

فَتْحاً .... مصدر

فَهو ـ فَاتِحٌ .... اسم فاعل

و ـ فُتِحَ .... ماضی مجهول

یُفْتَحُ .... مضارع مجهول

فَتْحاً .... مصدر

فذاک ـ مَفْتُوْحٌ .... اسم مفعول

الامر ـ اِفْتَحْ .... امر

و النهی ـ لاتَفْتَحْ .... نهی

الظرف ـ مَفْتَحٌ، مَفْتَحَانِ، مفاتِحُ

والآلة ـ مِفْتَحٌ، مِفْتَحَةٌ، مِفْتَاحٌ، مِفْتَحَانِ، مَفَاتِيحُ.

افعل التفضيل ـ اَفْتَحُ، اَفْتَحَانِ، اَفْتَحُوْنَ، اَفَاتِحُ (اسم تفضیل مذکر)

فُتْحیٰ، فُتْحَیَانِ، فُتْحَیَاتٌ، فُتَحٌ (اسم تفضیل مؤنث).

و از همین باب است:

اَلْمَنْعُ: بازداشتن

اَلصَّبْغُ: رنگ کردن

اَلرَّهْنُ: گروداشتن

اَلسَّلْخُ: پوست کشیدن

تذکر: هر فعلی که بر این‌وزن می‌آید مشروط است بر این‌که در مقابل عین‌الفعل و یا لام الفعل آن، حرفی از حروف شش‌گانهٔ حلقی داشته باشد، به استثنای دو باب «رَکَنَ یَرْکَنُ» و «اَبیٰ یَأْبیٰ» که به صورت شاذ و خلاف قیاس می‌آیند.

حرف حلقی شش بود ای نور عین

همزه، هاء و حاء و خاء و عین و غین

پرسش و تمرین

۱ـ وزن باب سوّم و چهارم را مشخص سازید.

۲ـ مصدر «اَلشَّهادَةُ» از کدام باب است؟

۳ـ فعلی که بر وزن «فَعَلَ يَفْعَلُ» می آید باید دارای چه شرطی باشد؟

۴ـ حروف حلقی چند تا هستند؟ آنها را نام ببرید

۵ـ مصدر «اَلرَّهْنُ» و «اَلسَّلْخُ» را از باب چهارم صرف نمائید.

۶ـ «اَلصَّبْغُ» و «اَلْجَهْلُ» از چه بابهایی هستند؟ مشخص نمائید.

۷ـ اسم تفضیل و اسم آلهٔ مصدرهای «اَلْعِلْمُ» و «اَلْحَمْدُ» را توضیح دهید.

۸ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

مَحْفُوْظٌ، مَسْلَخٌ، اَفْهَمُوْنَ، لاَتَجْهَلْ، اَمَانِعُ، جُهْلَيَاتٌ

۹ـ صیغه‌های شماره‌های زیر را از فعل جحد معلوم از مصدر «العلم» بنویسید: ۴ ـ ۹ ـ ۱۳ ـ ۶ ـ ۸ ـ ۱۱ ـ ۷

درس هفدهم

ابواب قیاسی ثلاثی مجرد (۳)

باب پنجم: بر وزن «**فَعُلَ یَفْعُلُ**» با ضمهٔ عین در ماضی و مضارع مانند: «**اَلْکَرْمُ و الْکَرَامَةُ**» بزرگوارشدن، تصریفش چنین است:

کَرُمَ .... ماضی معلوم

یَکْرُمُ .... مضارع معلوم

کَرَماً وَّ کَرَامَةً .... مصدر

فهو ـ کَرِیْمٌ .... اسم فاعل

الامر ـ اُکْرُمْ .... امر

و النهی ـ لاتَکْرُمْ .... نهی

الظرف ـ مَکْرَمٌ، مَکْرَمَانِ، مَکَارِمُ

و الآلة ـ مِکْرَمٌ، مِکْرَمَةٌ، مِکْرَامٌ، مِکْرَمَانِ، مَکَارِیْمُ

افعل التفضیل ـ اَکْرَمُ، اَکْرَمَانِ، اَکْرَمُوْنَ، اَکَارِمُ (اسم تفضیل مذکر)

کُرْمیٰ، کُرْمَیَانِ، کُرْمَیَاتٌ، کُرَمٌ (اسم تفضیل مؤنث)

و از همین باب است:

اَللُّطْفُ وَ اَللَّطَافَةُ: پاکیزه‌شدن

اَلْقُرْبُ: نزدیک‌شدن

اَلْبُعْدُ: دورشدن

اَلْکَثْرَةُ:بسیارشدن

تذکّر: این باب، لازم است (یعنی مجهول و مفعول ندارد) و اسم فاعل آن، عموماً بر وزن «**فَعِیْلٌ**» می آید.

پرسش و تمرین

۱ـ وزن باب پنجم را مشخص سازید.

۲ـ ماضی «**اَلْکَثْرَةُ**» و «**اَللَّطَافَةُ**» را از باب پنجم صرف نمائید.

۳ـ آیا باب پنجم اسم مفعول و مضارع مجهول دارد؟

۴ـ اسم فاعل باب «**فَعُلَ یَفْعُلُ**» بر چه وزنی می آید؟

۵ـ اسم تفضیل مؤنث و اسم ظرف مصدر «**اَلْقُرْبُ**» و «**اَلْبُعْدُ**» را بنویسید.

۶ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

قُرْبَیَانِ، بَعِیْدَةٌ، کُرْمیٰ، کُثُرٌ، مِلْطَفَةٌ

۷ـ ماضی مجهول و اسم مفعول را از باب «**اَلْکَثْرَةُ**» صرف کنید.

۸ـ صیغه‌های زیر را ترجمه کنید:

مَکاثِرُ	**اُلْطُفِی**	**مِبْعَدٌ**
قُرْبَیَاتٌ	**لاٰتَقْرَبَا**	

درس هجدهم

ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۱)

ثلاثی مجردی که به صورت شاذ و خلاف قانون می‌آید و اوزانش اندک هستند، از سه باب می‌آید.

باب اوّل: بر وزن **«فَعِلَ يَفْعِلُ»** باکسرۀ عین در ماضی و مضارع، مانند: **«اَلْحَسْبُ وَ الْحِسْبَانُ»** پنداشتن و گمان بردن، که تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

حَسِبَ .... ماضی معلوم

يَحْسِبُ .... مضارع معلوم

حَسْباً وَّ حِسْبَاناً .... مصدر

فهو - حَاسِبٌ .... اسم فاعل

و - حُسِبَ .... ماضی مجهول

يُحْسَبُ .... مضارع مجهول

حَسْباً وَّ حِسْبَاناً .... مصدر

فذاک - مَحْسُوْبٌ .... اسم مفعول

الامر - اِحْسِبْ .... امر

والنهی - لَاتَحْسِبْ .... نهی

الظرف - مَحْسَبٌ، مَحْسَبانِ، مَحَاسِبُ.

والآلة - مِحْسَبٌ، مِحْسَبَةٌ، مِحْسَابٌ، مِحْسَبَانِ، مَحَاسِيْبُ

افعل التفضيل - اَحْسَبُ، اَحْسَبَانِ، اَحْسَبُوْنَ، اَحَاسِبُ (مذکر)

حُسْبىٰ، حُسْبَيَانِ، حُسْبَيَاتٌ، حُسَبٌ (مؤنث)

تذکر: این باب فقط دارای دو مورد صحیح است و بجز آن دو مورد، صحیحی دیگر از این باب نیامده است که عبارتند از:

«**حَسِبَ يَحْسِبُ**» و «**نَعِمَ يَنْعِمُ**» مانند: «**اَلنَّعْمُ وَ النَّعْمَةُ**» خوش عیش شدن و آسایش یافتن.

باب دوّم: بر وزن «**فَعِلَ يَفْعُلُ**» با کسر عین در ماضی و ضمّ آن در مضارع، مانند: «**اَلْفَضْلُ**»: افزون‌شدن و غلبه کردن

تصریفش به شرح زیر است:

فَضِلَ .... ماضی معلوم

يَفْضُلُ .... مضارع معلوم

فَضْلاً .... مصدر

فهو - فَاضِلٌ .... اسم فاعل

و - فُضِلَ .... ماضی مجهول

يُفْضَلُ .... مضارع مجهول

فَضْلا .... مصدر

فذاک - مَفْضُوْلٌ .... اسم مفعول

ألامر - أُفْضُل .... امر

والنهی - لاَتَفْضُلْ .... نهی

الظرف - مَفْضَلٌ، مَفْضَلَانِ، مَفَاضِلُ
والآلة - مِفْضَلٌ، مِفْضَلَةٌ، مِفْضَالٌ، مَفَاضِيْلُ
افعل التفضيل - اَفْضَلُ، اَفْضَلاَنِ، اَفْضَلُوْنَ، اَفَاضِلُ: مذکر
فُضْلیٰ، فُضْلَیَانِ، فُضْلَیاتٌ، فُضَلٌ: مؤنث
و از همین باب است: **«اَلْحُضُوْرُ»**: حاضر شدن
تذکر: از این باب فقط یک مورد صحیح آمده است که همان **«فَضِلَ یَفْضُلُ»** است، ولی بعضی از علمای صرف، **«حَضِرَ یَحْضُرُ»** و **«نَعِمَ یَنْعُمُ»** را نیز از همین باب شمرده‌اند.

پرسش و تمرین

۱ـ اوزان ابواب ثلاثی مجرد شاذ را مشخص سازید.
۲ـ باب اوّل دارای چند مورد صحیح می‌باشد؟
۳ـ کدام باب فقط یک مورد صحیح دارد؟
۴ـ مصدر «الحضور» را از باب دوّم صرف نمائید.
۵ـ اسم آله و اسم ظرف مصدر «النعم» را بنویسید.
۶ـ اسم فاعل باب **«حَسِبَ یَحْسِبُ»** را نوشته، ترجمه نمائید.
۷ـ صیغه‌های شماره‌های زیر را از فعل مضارع منفی مجهول از باب اوّل نوشته ترجمه نمائید. ۳ - ۱۲ - ۶ - ۹ - ۴ - ۱
۸ـ به عربی ترجمه کنید:
یک زن حاضر شد - باید یک مرد حاضر شود - هرگز نخواهیم حاضر شد - آن یک زن حاضر نخواهد شد - مردان حاضر شونده

درس نوزدهم

ابواب شاذ ثلاثی مجرد (۲)

باب سوّم: بر وزن «**فَعُلَ يَفْعَلُ**» با ضم عین در ماضی و فتح آن در مضارع، مانند «**اَلْكَوْدُ وَ الْكَيْدُوْدَةُ**» خواستن و نزدیک‌شدن.

تصریفش چنین است:

كَادَ .... ماضی معلوم

يَكَادُ .... مضارع معلوم

كَوْداً وَّ كَيْدُوْدَةً .... مصدر

فهو – كَائِدٌ .... اسم فاعل

و – كِيْدَ .... ماضی مجهول

يُكَادُ .... مضارع مجهول

كَوْداً وَّ كَيْدُوْدَةً .... مصدر

فذاک – مَكُوْدٌ .... اسم مفعول

الامر – كَدْ .... امر

والنهی – لَاتَكَدْ .... نهی

الظرف – مَكَادٌ، مَكَادَانِ، مَكَاوِدُ

والآلة – مِكْوَدٌ، مِكْوَدَةٌ، مِكْوَادٌ، مِكْوَدَانِ، مَكَاوِيْدُ

افعل التفضيل – اَكْوَدُ، اَكْوَدَانِ، اَكْوَدُوْنَ، اَكَاوِدُ: مذکر

كُوْدٰى، كُوْدَيَانِ، كُوْدَيَاتٌ، كُوَدٌ: مؤنث

تذکر:

۱ـ هر فعل ماضی که مضموم العین باشد، مستقبل او نیز مضموم العین می‌آید، مگر معتل واوی که در مقابل عین الفعل آن، حرف «واو» باشد، مانند همین **«كَادَ يَكَادُ»**.

۲ـ **كُدْتَّ** در اصل **كَوُدْتَ** بود، ضمه بر واو ثقیل بود، آنرا نقل نموده، به ما قبل دادند. واو پس از دادن حرکت به ماقبل، به علّت اجتماع ساکنین افتاد، آنگاه «دال» را به «تا» تبدیل کردند، «تا» را در «تا» ادغام نمودند، **«كُدْتَّ»** شد.

يَكَادُ هم در اصل **يَكْوَدُ** بود، حرکت واو را نقل نموده، به ماقبل دادند، واو را به مناسبت فتحه به الف تبدیل کردند، **«يَكَادُ»** شد.

پرسش و تمرین

۱ـ «يَكَادُ» در اصل خویش چه بوده است و چگونه يَكَادُ شده؟ توضیح دهید.

۲ـ «كُدْتَّ» در اصل چه بوده و چگونه «كُدْتَّ» شده است؟

۳ـ فعل امر «كَاد يَكَادُ» را با ترجمه‌اش بنویسید؟

۴ـ مضارع مجهول «يَكَادُ» را صرف نمائید.

۵ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

كِيْدَا، كُوْدِيْ، كُوَدُ، لِيَكَادَنَّ

۶ـ صیغه شماره‌های ۳ - ۵ - ۲ - ۶ از اسم فاعل و اسم مفعول را از باب سوم نوشته ترجمه کنید.

۷ـ به عربی ترجمه کنید:

آن مردان خواستند - تو یک زن نخواهی - خواسته نشده‌ام - یک آله خواستن - جاها یا زمانهای خواستن

درس بیستم

ابواب ثلاثی مزیدفیه **(۱)**

ثلاثی مزید فیه بردوگونه است: یکی آنکه ملحق به رباعی باشد، دوّم آنکه ملحق به رباعی نباشد، آن نوعی که ملحق به رباعی نیست نیز بر دو قسم است: یکی آنکه دارای همزهٔ وصل باشد، دیگر آنکه دارای همزهٔ وصل نیست. آنکه همزهٔ وصل را می‌پذیرد، نُه (۹) باب دارد:

باب اوّل: بر وزن «**اِفْتِعَالٌ**» مانند: «**اَلْـاِجْتِنَابُ**» دوری جستن، تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

اِجْتَنَبَ .... ماضی معلوم

يَجْتَنِبُ .... مضارع معلوم

اِجْتِنَاباً .... مصدر

فهو - مُجْتَنِبٌ .... اسم فاعل

و - اُجْتُنِبَ .... ماضی مجهول

يُجْتَنَبُ .... مضارع مجهول

اِجْتِنَاباً .... مصدر

فذاک - مُجْتَنَبٌ .... اسم مفعول

الامر - اِجْتَنِبْ .... امر

و النهی - لاَتَجْتَنِبْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِقْتِبَاسُ: فراگرفتن و استفاده نمودن

اَلْاِقْتِنَاصُ: صیدکردن

اَلْاِلْتِمَاسُ: جستن

اَلْاِعْتِزَالُ: یکسوشدن

اَلْاِحْتِمَالُ: حمل نمودن و برداشتن

اَلْاِخْتِطَافُ: ربودن

تذکّر:

ابواب مزید، اسم آله ندارند و اسم ظرفشان بر وزن اسم مفعول خواهد آمد.

باب دوّم: بروزن «**اِسْتِفْعَالٌ**»، مانند: «**اَلْاِسْتِنْصَارُ**»: طلب یاری کردن، تصریفش چنین است:

اِسْتَنْصَرَ .... ماضی معلوم

یَسْتَنْصِرُ .... مضارع معلوم

اِسْتِنْصَاراً .... مصدر

فهو - مُسْتَنْصِرٌ .... اسم فاعل

و - اُسْتُنْصِرَ .... ماضی مجهول

یُسْتَنْصَرُ .... مضارع مجهول

اِسْتِنْصاراً .... مصدر

فذاک - مُسْتَنْصَرٌ .... اسم مفعول

ألامر - اِسْتَنْصِرْ .... امر

و النهی - لاتَسْتَنْصِرْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن

أَلْاِسْتِنْفَارُ: رمیدن و رماندن

أَلْاِسْتِفْسَارُ: پرسیدن

أَلْاِسْتِخْلَافُ: خلیفه گرفتن و جانشین اعلام کردن

أَلْاِسْتِمْتَاعُ: بهره گرفتن، برخورداری گرفتن از کسی یا چیزی

تذکّر:

این هر دو باب هم به معنی لازم و هم به معنی متعدی مستعمل می‌شوند.

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی نیست دارای چند قسم می‌باشد؟

۲ـ فعل مضارع مجهولِ باب «**اقتباس**» را صرف نمائید.

۳ـ فعل امر مصدر «**اعتزال**» و «**التماس**» را صرف نمائید.

۴ـ ماضی مجهول مصدر «**استخلاف**» و «**اِسْتِمْتَاع**» را صرف نمائید.

۵ـ ماضی معلوم مصدر «**استغفار**» را با ترجمه آن در دفتر خویش بنویسید.

۶ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص و آنها را ترجمه کنید:

مُسْتَنْصِرُوْنَ، اُسْتُخْلِفْتُمْ، مُعْتَزِلَةٌ، تَسْخْتَلِفوْنَ، اِقْتَنَصُوْا، اِقْتَبَسْنَا، يَسْتَفْسِرُوْنَ

۷ـ صیغه شماره‌های ۸ - ۴ - ۳ - ۹ - ۱۱ - ۱۴ - و ۱۰ از مصدرهای: الاختلاف، الاعتزال و الاقتناص فعل مضارع معلوم را نوشته ترجمه کنید.

درس بیست و یکم

ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)

باب سوّم: بر وزن «**اِنْفِعَالٌ**»، مانند: «**أَلْاِنْفِطَارُ**»: شکافته شدن. هر فعلی که بر این وزن آید، لازم می‌شود.

تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

اِنْفَطَرَ .... ماضی معلوم

يَنْفَطِرُ .... مضارع معلوم

اِنْفِطَاراً .... مصدر

فهو – مُنْفَطِرٌ .... اسم فاعل

ألامر – اِنْفَطِرْ .... امر

و النهی – لاتَنْفَطِرْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِنْصِرَافُ: بازگشتن

أَلْاِنْقِلَابُ: واژگون‌شدن

أَلْانْخِفَافُ: سبک‌شدن

أَلْاِنْشِعَابُ: شاخ شاخ‌شدن (منشعب شدن)

باب چهارم: بر وزن «**اِفْعِلَالٌ**» مانند: «**أَلْاِحْمِرَارُ**»: سرخ و قرمزشدن، و این باب هم لازم است که تصریفش چنین است:

اِحْمَرَّ .... ماضی معلوم

يَحْمَرُّ .... مضارع معلوم

اِحْمِراراً .... مصدر

فهو - مُحْمَرٌّ .... اسم فاعل

الامر - اِحْمَرَّ، اِحْمَرِّ، اِحْمَرِرْ .... امر

و النهی - لاَتَحْمَرَّ، لاَتَحْمَرِّ، لاَتَحْمَرِرْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِخْضِرَارُ: سبزرنگ‌شدن

أَلْاِصْفِرَارُ: زردرنگ‌شدن

أَلْاِغْبِرَارُ: غبار آلودشدن

أَلْاِبْلَقَاقُ: ابلق رنگ شدن

پرسش و تمرین

۱ـ باب «**انفعال**» لازم است یا متعدی؟

۲ـ اسم فاعل باب «**انفطار**» را صرف نمائید.

۳ـ مضارع معلوم باب «**انقلاب**» و «**انشعاب**» را صرف نمائید.

۴ـ باب «**افعلال**» لازم است یا متعدی؟

۵ـ ماضی معلوم مصدر «**اخضرار**» را با ترجمهٔ آن بنویسید.

۶ـ نهی مصدر «**ابلقاق**» و «**اصفرار**» را صرف نمائید.

۷ـ صیغه‌های زیر را ترجمه نمائید.

مُنْفَطِرُوْن، يَنْفَطِرْنَ، اِنْقَلَبْتُمْ، يَحْمَرُّ، مُنْشَعِبَةٌ، اِغْبَرُّوْا، يَنْصَرِفَانِ

۸ـ صیغه شمارهای: ۳ - ۷ - ۱۱ - ۸ - ۱۴ - ۶ فعل مضارع معلوم از باب الاصفرار و ماضی معلوم از باب: الانقلاب را نوشته ترجمه کنید.

درس بیست و دوّم

ابواب ثلاثی مزیدفیه **(۳)**

باب پنجم: بر وزن «**اِفْعِيْلَالٌ**»، مانند: «**اَلْاِدْهِيْمَامُ**»: سیاه و تیره‌شدن، این باب هم لازم است و تصریفش چنین است:

اِدْهَامَّ .... ماضی معلوم

يَدْهَامُّ .... مضارع معلوم

اِدْهِيْمَاماً .... مصدر

فهو – مُدْهَامٌّ .... اسم فاعل

الامر – اِدْهَامَّ، اِدْهَامِّ، اِدْهَامِمْ .... امر

والنهی – لَاتَدْهَامَّ، لَاتَدْهَامِّ، لَاتَدْهَامِمْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِسْمِيْرَارُ: گندم‌گون شدن

اَلْاِكْمِيْتَابُ: کمیت شدن است (کمیت: اسبی که رنگش بین سیاهی و سرخی باشد)

اَلْاِشْهِيْبَابُ: سفیدشدن اسب

اَلْاِصْحِيْرَارُ: خشک‌شدن گیاه

اَلْاِسْحِيْرَارُ: همرازشدن

باب ششم: بر وزن «**اِفْعِيْعَالٌ**»، مانند: «**اَلْاِخْشِيْشَانُ**»: درشت و خشن شدن، تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

اِخْشَوْشَنَ .... ماضی معلوم

يَخْشَوْشِنُ .... مضارع معلوم

اِخْشِيْشَاناً .... مصدر

فهو - مُخْشَوْشِنٌ .... اسم فاعل

الامر - اِخْشَوْشِنْ .... امر

و النهی - لاَتَخْشَوْشِنْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِخْرِيْرَاقُ: پاره‌شدن جامه و پیراهن

اَلْاِخْلِيْلَاقُ: کهنه شدن پیراهن

اَلْاِمْلِيْلَاحُ: شورشدن آب

اَلْاِحْدِيْدَابُ: کوژپشت شدن

این باب هم لازم است و در قرآن مجید نیامده است.

پرسش و تمرین

۱ـ از باب «**افعیلال**» و «**افعیعال**»، کدام یک لازم و کدام یک متعدی است؟

۲ـ مضارع معلوم از مصدر «**اکمیتات**» و «**اسحیرار**» را صرف کنید.

۳ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:

اِدْهَامَّتْ، مُدْهَامَّتان، یَخْرَوْرِقْنَ، اِمْلَوْلِحَا، مُحْدَوْدِبَةٌ

۴ـ اسم فاعل «**اخلیلاق**» و «**احدیداب**» را صرف نموده، ترجمه کنید.

۵ـ به عربی ترجمه کنید:

آن دو زن تیره و سیاه شدند – تو گندم‌گون شدی.

آن مرد کوژ پشت شد – شما دو مرد سیاه نشوید.

درس بیست و سوّم

ابواب ثلاثی مزیدفیه (۴)

باب هفتم: بر وزن «**اِفْعِوّالٌ**»، مانند: «**اَلْاِجْلِوّاذُ**»: شتافتن شتر،

تصریفش چنین است:

اِجْلَوَّذَ.. ماضی معلوم

یَجْلَوِّذُ.. مضارع معلوم

اِجْلِوّاذاً.. مصدر

فهو – مُجْلَوِّذٌ.. اسم فاعل

الامر – اِجْلَوِّذْ.. امر

والنهی – لاتَجْلَوِّذْ.. نهی

و از همین باب است:

اَلْاِخْرِوّاطُ: تراشیدن چوب

اَلْاِعْلِوّاطُ: قلاده و گردن‌بند به گردن شتر بستن، چنانکه

گفته می‌شود:

اِعْلَوَّطَ الْبَعِیْرُ اِذَا تَعَلَّقَ بِعُنُقِهِ قَلادَةً.

این باب هم لازم است و در قرآن مجید نیامده است.

باب هشتم: بر وزن «**اِفّاعُلٌ**»، مانند: «**اَلْاِثّاقُلُ**»: گران‌بار و سنگین‌شدن

و خویش را سنگین‌بار ساختن، تصریفش چنین است:

اِثّاقَلَ .... ماضی معلوم

یَثّاقَلُ .... مضارع معلوم

اِثّاقُلاً .... مصدر

فهو – مُثّاقِلٌ .... اسم فاعل

الامر – اِثّاقَلْ .... امر

والنهی – لاَتَثّاقَلْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِدّارُکُ:در رسیدن و فهمانیدن

أَلْاِسّاقُطُ:افتادن

أَلْاِشّابُهُ:هم‌شکل و هم‌قیافه شدن

أَلْاِصّالُحُ:با یکدیگر آشتی کردن

باب نهم: بر وزن «**اِفَّعُّلٌ**»، مانند: «**أَلْاِطَّهُّرُ**»: پاک شدن،

تصریفش چنین است:

اِطَّهَّرَ .... ماضی معلوم

یَطَّهَّرُ .... مضارع معلوم

اَطَّهُّراً .... مصدر

فهو – مُطَّهِّرٌ .... اسم فاعل

ألامر – اِطَّهَّرْ .... امر

و النهی - لاَتَطَّهَّرْ .... نهی

و از همین باب است:

أَالْاِزَّمُّلُ:جامه بر سرکشیدن

أَلْاِضَّرُّعُ:زاری کردن

أَلْاِجَّنُّبُ:دورشدن

أَلْاِذَّكُّرُ:پندپذیرفتن و یادکردن

تذکّر:اصل باب «**اِفَّاعُلٌ**» و «**اِفَّعُّلٌ**»، **تَفَاعُلٌ و تَفَعُّلٌ** بوده، «تا» را به «فا» بدل کردند، «فا» را به مناسبت مجانست در مخرج، در «فا» ادغام نمودند، سپس همزهٔ وصل مکسور در اوّل آن درآوردند تا ابتدا به سکون لازم نیاید، آنگاه «**اِفَّاعُلٌ**» و «**اِفَّعُّلٌ**» شد.

پرسش و تمرین

۱ـ باب «**اِفْعِوّالٌ**» را از مصدر «**اِخْرِوّاطٌ**» صرف نمائید.

۲ـ اصل باب «**اِفّاعُلٌ**» و «**اِفَّعُّلٌ**» چه بوده است؟ و چگونه این دو باب تعلیل شده‌اند؟

۳ـ اسم فاعل را از مصدر «**اَلْاِشّابُهُ**» و «**اَلْاِدّارُکَ**» صرف نمائید.

۴ـ امر مصدر «**اَلْاِزَّمُّلُ**» و «**اَلْاِذَّکُّرُ**» را صرف نمائید.

۵ـ صیغه‌های زیر را ترجمه نموده، نوع آن را مشخص سازید:

اِجْلَوَّذَا، تَخْرَوُّطُ، مُعْلَوِّطَاتٌ، اِدَّارَکَا، یَشَّابَهُوْنَ، لاَتَصَّالَحَا، یَضَّرَّعُوْنَ، مُزَّمِّلٌ، یَذَّکَّرُ

۶ـ صیغه شمارهای ۹ ـ ۴ ـ ۸ ـ ۶ ـ ۱۱ ـ ۳ ـ ۱ را از مصدر **اَلْاِجَّنُّبُ** از فعل ماضی نوشته آنها را ترجمه کنید.

درس بیست و چهارم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۱)

نوع دیگر ابواب مزیدفیه آن است که همزهٔ وصل را نمی‌پذیرد و دارای پنج باب می‌باشد:

باب اوّل: بر وزن «**اِفْعَالٌ**»، مانند «**أَلْاِکْرَامُ**»: گرامی داشتن، تصریفش چنین است:

أَکْرَمَ .... ماضی معلوم

یُکْرِمَ .... مضارع معلوم

اِکْراماً .... مصدر

فهو - مُکْرِمٌ .... اسم فاعل

و - أُکْرِمَ .... ماضی مجهول

یُکْرَمُ .... مضارع مجهول

اِکْرَاماً .... مصدر

فذاک - مُکْرَمٌ .... اسم مفعول

ألامر - أَکْرِمْ .... امر

و النهی - لاتُکْرِمْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلْاِسْلَامُ:مسلمان شدن و گردن به طاعت نهادن

أَلْاِذْهَابُ:بردن

أَلْاِعْلَانُ:آشکارکردن، اعلام نمودن

أَلْاِكْمَالُ:تمام‌کردن و تکمیل‌نمودن

تذکّر: همزهٔ امر حاضر این باب وصلی نیست، بلکه همزهٔ قطع است که در مضارع، موقّتاً بنا به عللی حذف شده است، زیرا اصل «**تُكْرِمُ**» «**تُأَكْرِمُ**» بوده است، برای موافقت «**أُكْرِمُ**» که در اصل «**أُأَكْرِمُ**» بوده است، همزهٔ دوّم به واسطهٔ اجتماع همزتین ساقط شد و «**أُأَكْرِمُ**» گردید.

باب دوّم: بر وزن «**تَفْعِيْلٌ**»، مانند: «**أَلتَّصْرِيْفُ**»: گردانیدن و صرف‌نمودن

تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

صَرَّفَ .... ماضی معلوم

يُصَرِّفُ .... مضارع معلوم

تَصْرِيْفاً .... مصدر

فهو – مُصَرِّفٌ .... اسم فاعل

و – صُرِّفَ .... ماضی مجهول

يُصَرَّفُ .... مضارع مجهول

تَصْرِيفاً .... مصدر

فذاک – مُصَرَّفٌ .... اسم مفعول

ألامر – صَرِّفْ .... امر

و النهی – لاَتُصَرِّفْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلتَّكْذِيْبُ وَ الْكِذَّابُ: کسی را دروغگو نمودن و تکذیب‌کردن

أَلتَّقْدِيْمُ: پیش کردن و پیش‌شدن، تقدیم کردن

أَلتَّمْكِيْنُ: جای دادن

أَلتَّعْظِيْمُ: بزرگداشتن

أَلتَّعْجِيْلُ: شتابی‌کردن

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که همزهٔ وصل را نمی‌پذیرد، چند باب دارد؟
۲ـ باب افعال را از مصدر «اسلام» و «اکمال» صرف نمائید.
۳ـ «تُکْرِمُ» در اصل چه بوده است؟ توضیح دهید.
۴ـ مضارع مجهول «التعظیم» و «التعجیل» را صرف نمائید.
۵ـ ده صیغه از باب «اذهاب» و ده صیغه از باب «تمکین» انتخاب نموده، آنها را ترجمه نمائید.
۶ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
مُکْرَمُوْنَ، مُسْلِمَانِ، أَذْهَبْتُمْ، مُعْلِنَةٌ، أَکْمِلِیْ، نُمَکِّنْ، عَجِّلُوْا، لاَتُقَدِّمُوْا
۷ـ به عربی ترجمه کنید:
تو یک زن بردی – ما جای دادیم – شما مردان عجله خواهید کرد – آن دو مرد دروغگو شدند – من آشکار می‌کنم

درس بیست و پنجم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۲)

باب سوّم: بر وزن «**تَفَعُّلٌ**»، مانند: «**أَلتَّقَبُّلُ**»: پذیرفتن و تصریفش چنین است:

تَقَبَّلَ .... ماضی معلوم

يَتَقَبَّلُ .... مضارع معلوم

تَقَبُّلاً .... مصدر

فهو – مُتَقَبِّلٌ .... اسم فاعل

و – تُقُبِّلَ .... ماضی مجهول

يُتَقَبَّلُ .... مضارع مجهول

تَقَبُّلاً .... مصدر

فذاک – مُتَقَبَّلٌ .... اسم مفعول

ألامر – تَقَبَّلْ .... امر

و النهی – لاَتَقَبَّلْ .... نهی

و از همین باب است:

أَلتَّفَكُّهُ: میوه‌خوردن

أَلتَّلَبُّثُ: درنگ کردن

أَلتَّعَجُّلُ: شتافتن

أَلتَّبَسُّمُ: لبخند زدن (يعنى چنان خنديدن كه دندانهاظاهر شوند)

تذكّر:

در باب «**تَفَعُّلٌ**»، «**تفَاعُلٌ**»، «**تَفَعْلُلٌ**»، هر كجا كه در اوّل كلمه، دو «تا» با هم جمع شوند، حذف نمودن يک «تا» جايز است، مـانند: **تَـتَصَرَّفُ، تَتَضَارَبُ،تَتَدَحْرَجُ**، كه بگوييم: **تصَرَّفُ، تَضَارَبُ، تَدَحْرَجُ.**

باب چهارم: بر وزن «**مُفَاعَلَةٌ**»، مانند: «**أَلْمُقَاتَلَةُ وَ الْقِتَالُ**»: با يكديگر كارزار كردن، تصريفش چنين است:

قَاتَلَ .... ماضى معلوم

يُقَاتِلُ.. مضارع معلوم

مُقَاتَلَةً وَّ قِتَالاً .... مصدر

فهو - مُقَاتِلٌ................................ اسم فاعل

و - قُوْتِلَ .... ماضى مجهول

يُقَاتَلُ .... مضارع مجهول

مُقَاتَلَةً وَ قِتَالاً .... مصدر

فذاک - مُقَاتَلٌ............................. اسم مفعول

ألامر - قَاتِلْ .... امر

و النهى - لاَتُقَاتِلْ ....نهى

و از همين باب است:

أَلْمُعَاقَبَةُ وَ اَلْعِقَابُ: یکدیگر را شکنجه و عذاب‌کردن
أَلْمُخَادَعَةُ وَاَلْخِدَاعُ: فریفتن و فریب‌دادن
أَلْمُلَازَمَةُ وَ اَلْلِّزَامُ: با هم لازم گرفتن (چسبیدن با کسی یا چیزی)
أَلْمُبَارَكَةُ: تبرک جستن به خداوند متعال یا به کسی یا به چیزی

پرسش و تمرین

۱ـ حذف یک «تا» در چه مواردی جایز است؟
۲ـ اسم مفعول مصدر «**أَلتَّلَبُّثُ**» و ماضی مجهول «**أَلتَّبَسُّمُ**» را صرف نمائید.
۳ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
قُوْتِلاَ، مُقَاتِلَةٌ، عُوْقِبَ، خَادَعَ، لاَزِمِیْ، بَارِکَا.
۴ـ پنج صیغه از مصدر «**المخادعة**» و پنج صیغه از مصدر «**الملازمه**» و پنج صیغه از مصدر «**المبارکه**» انتخاب نموده و آنها را ترجمه کنید.
۵ـ اسم فاعل مصدر «المخادعة» را نوشته ترجمه کنید.
۶ـ صیغه‌های زیر را ترجمه نموده شماره آنها را مشخص سازید:
تَفَكَّهْنَا - تُلُبِّثَا - يَتَلَبَّثْنَ - لُوْزِمْنَ - تُعَاقِبَانِ.

درس بیست و ششم

نوع دیگر ابواب ثلاثی مزیدفیه (۳)

باب پنجم: بر وزن «**تَفَاعُلٌ**»، مانند: «**أَلتَّقَابُلُ**»: با یکدیگر روبرو شدن، تصریفش چنین است:

تَقَابَلَ .... ماضی معلوم

يَتَقَابَلُ .... مضارع معلوم

تَقَابُلاً .... مصدر

فهو - مُتَقَابِلٌ .... اسم فاعل

و - تُقُوْبِلَ .... ماضی مجهول

يُتَقَابَلُ .... مضارع مجهول

تَقَابُلاً .... مصدر

فذاک - مُتَقَابَلٌ .... اسم مفعول

ألامر - تَقَابَلْ .... امر

و النهی - لاَتَقَابَلْ .... نهی

و از همین باب است: **أَلتَّخَافُتُ:** با یکدیگر سخن پنهان گفتن

أَلتَّعَارُفُ: یکدیگر را شناختن

أَلتَّفَاخُرُ: بر یکدیگر فخرکردن

تذکّر:

مجموع ابواب ثلاثی مزیدفیه که ملحق به رباعی نیستند چهارده‌باب است (که نه باب آن، از قسم اوّل (دارای همزه وصل) و پنج باب، از قسم دوّم (خالی از همزه) بیان شد، تا اینجا بحث ثلاثی به پایان رسید.)

پرسش و تمرین

۱ـ مجموع ابواب ثلاثی مزیدفیه چند باب‌اند؟

۲ـ صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید.

يَتَقَابَلَانِ، يَتَخَافَتُوْنَ، مُتَعَارِفَاتٌ، لَاتَتَفَاخَرُوْنَ، تُقُوْبِلَتَا، مُتَخَافِتَاتٌ

۳ـ ماضی مجهول مصدر «**اَلتَّخَافُتُ**» و مضارع مجهول مصدر «**اَلتَّفَاخُرُ**» را صرف کنید.

درس بیست و هفتم

رباعی و انواع آن (۱)

رباعی بر دو قسم است: یکی مجرد که در آن حرف زایدی نباشد.

دوّم: مزید که دارای حرف زاید باشد.

رباعی مجرد فقط دارای یک باب است که هم به صورت لازم و هم به صورت متعدی به کار می‌رود و آن بر وزن «**فَعْلَلَةٌ**» می‌باشد، مانند: «**اَلْبَعْثَرَةُ**»: برانگیختن، تصریفش چنین است:

بَعْثَرَ .... ماضی معلوم

يُبَعْثِرُ.. مضارع معلوم

بَعْثَرَةً.. مصدر

فهو – مُبَعْثِرٌ.................................. اسم فاعل

و – بُعْثِرَ .... ماضی مجهول

يُبَعْثَرُ.. مضارع مجهول

بَعْثَرَةً.. مصدر

فذاك – مُبَعْثَرٌ................................. اسم مفعول

الامر – بَعْثِرْ.................................. امر

و النهی – لاَتُبَعْثِرْ............................. نهی

و از همین باب است:

اَلدَّحْرَجَةُ: غلطانیدن و غلطیدن

اَلْعَسْکَرَةُ: لشکرساختن

اَلْقَنْطَرَةُ: پل ساختن

اَلزَّعْفَرَةُ: با زعفران رنگ نمودن

رباعی مزید بر دو قسم است:

یکی آنکه دارای همزۀ وصل نیست، دوّم: آنکه دارای همزۀ وصل می‌باشد، آنکه دارای همزۀ وصل نیست فقط یک باب دارد و لازم است. و بر وزن «**تَفَعْلُلٌ**» (مانند: «**اَلتَّسَرْبُلُ**» پیراهن پوشیدن) می آید. این باب در قرآن مجید نیامده است. و تصریفش چنین است:

تَسَرْبَلَ .... ماضی معلوم

يَتَسَرْبَلُ .... مضارع معلوم

تَسَرْبُلاً .... مصدر

فهو- مُتَسَرْبِلٌ .... اسم فاعل

الامر - تَسَرْبَلْ .... امر

و النهی - لاَتَتَسَرْبَلْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلتَّبَرْقُعُ: برقع پوشیدن[1]

۱- برقع، لباس بلند زنانه است که صورت را نیز می‌پوشد.

اَلتَّمَقْهُرُ:مقهور و مغلوب شدن
اَلتَّزَنْدُقُ:زندیق و بی دین شدن
اَلتَّبَخْتُرُ:با ناز خرامیدن و رفتن

پرسش و تمرین

۱ـ رباعی مجرد دارای چند باب است؟
۲ـ آیا رباعی مجرد به صورت متعدّی هم می آید؟
۳ـ رباعی مزید که دارای همزهٔ وصل نیست چند باب دارد؟
فعل مضارع معلوم رباعی را از مصدر «**اَلدَّحْرَجَةُ**» و اسم فاعل را از «**اَلْقَنْطَرَةُ**» صرف نمائید.
۵ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص نمائید.
یَتَبَرْقَعَانِ، لاَتَزَنْدَقْ، مُتَسَرْبِلَةٌ، تَبَخْتَرَا، یُعَسْكِرْنَ، تَبَرْقَعِیْ
۶ـ صیغه‌های زیر را ترجمه نموده شماره‌های آنها را مشخص کنید:
مُتَزَنْدِقَةٌ - زَعْفَراً - یَتَبَخْتَرْنَ - لاَتَتَمَقْهَرَا - مُتَبَرْقِعَاتٌ - یُقَنْطِرُوْنَ

درس بیست و هشتم

رباعی و انواع آن (۲)

نوعی دیگر از رباعی مزید آن است که دارای همزهٔ وصل است و آن دو باب دارد که هر دو باب لازم‌اند:

باب اوّل: بر وزن «**اِفْعِنْلَالٌ**»، مانند: «**اَلْاِبْرِنْشَاقُ**»: شادشدن، تصریف آن به شرح زیر می‌باشد:

اِبْرَنْشَقَ .... ماضی معلوم

يَبْرَنْشِقُ .... مضارع معلوم

اِبْرِنْشَاقاً .... مصدر

فهو - مُبْرَنْشِقٌ .... اسم فاعل

الامر - اِبْرَنْشِقْ .... امر

والنهی - لَاتَبْرَنْشَقْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِحْرِنْجَامُ: جمع شدن

اَلْاِبْلِنْدَاحُ: گشادشدن و فراخ شدن جایگاه

اَلْاِسْلِنْطَاحُ: بر قفا و پشت خوابیدن

اَلْاِغْرِنْكَاسُ: سیاه‌شدن موی

تذکّر:

این باب در قرآن مجید وارد نشده است.

باب دوّم: بر وزن «**اِفْعِلَّالٌ**»، مانند: «**اَلْاِقْشِعْرَارُ**»: موی برتن خاستن، تصریفش چنین است:

اِقْشَعَرَّ .... ماضی معلوم

يَقْشَعِرُّ .... مضارع معلوم

اِقشِعْرَاراً .... مصدر

فهو - مُقْشَعِرٌّ .... اسم فاعل

الامر - اِقْشَعِرَّ، اِقْشَعِرِّ، اِقْشَعْرِرْ .... امر

والنهی - لاَتَقْشَعِرَّ، لاَتَقْشَعِرِّ، لاَتَقْشَعْرِرْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْاِقْمِطْرَارُ: شدیداً ناراضی و ناخشنود بودن

اَلْاِشْمِخْرَارُ: بلندشدن

اَلْاِشْفِتْرَارُ: پراکنده‌شدن

اَلْاِزْمِهْرَارُ: سرخ‌شدن چشم

اَلْاِسْمِهْرَارُ: سخت شدن خار

تذکّر: این باب در قرآن مجید آمده است، **کَمَا قَالَ اللهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالیٰ:تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُوْدُ الَّذِیْنَ یَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ.** (قرآن کریم)

پرسش و تمرین

۱ـ رباعی مزیدی که همزهٔ وصل را می‌پذیرد، چند باب دارد؟

۲ـ بابهای «**اِفْعِنْلَال**» و «**اِفْعِلَّال**» لازم‌اند یا متعدی؟

۳ـ ماضی معروف مصدر «**اَلْاِعْرِنْکَاسُ**» را صرف نمائید.

۴ـ اسم فاعل مصدرهای «**اَلْاِشْفِتْرَارُ**» و «**اَلْاِزْمِهْرَارُ**» را صرف نمائید.

۵ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید.

تبْرَنْشِقَانِ، مُبْلَنْدِحُوْن، اِقْشَعِرْ، یَشْفَتِرُّوْنَ، اِحْرَنْجَمَتَا، مُشْمَخِرَّةٌ.

۶ـ مضارع «**اَلْاِقْمِطْرارَ**» و ماضی «**اَلْاِسْلِنْطَاح**» را با ترجمه آن بنویسید.

درس بیست و نهم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۱)

ثلاثی مزید بر دو گونه است: یکی آنکه ملحق به رباعی مجرد است.
دوّم: آنکه ملحق به رباعی مزیدفیه است.
ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مجرد است آنرا هفت باب است:

باب اوّل: بر وزن «فَعَلَلَةٌ»، مانند: «اَلْجَلْبَبَةُ»: چادر پوشیدن، که تصریفش چنین است:

جَلْبَبَ .... ماضی معلوم
يُجَلْبِبُ .... مضارع معلوم
جَلْبَبَةً .... مصدر
فهو - مُجَلْبِبٌ .... اسم فاعل
و - جُلْبِبَ .... ماضی مجهول
يُجَلْبَبُ .... مضارع مجهول
جَلْبَبَةً .... مصدر
فذاک - مُجَلْبَبٌ .... اسم مفعول
الامر - جَلْبِبْ .... امر

والنهی – لاَتُجَلْبِبْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلشَّمْلَلَةُ: شتافتن

تذکّر: این باب نیز در قرآن وارد شده است.

باب دوّم: بر وزن «**فَعْنَلَةٌ**»، (بازیادتی «نون» میان عین و لام) مانند: «**اَلْقَلْنَسَةُ**»: کلاه پوشیدن، تصریفش چنین است.

قَلْنَسَ .... ماضی معلوم

يُقَلْنِسُ .... مضارع معلوم

قَلْنَسَةً .... مصدر

فهو – مُقَلْنِسٌ .... اسم فاعل

و – قُلْنِسَ .... ماضی مجهول

يُقَلْنَسُ .... مضارع مجهول

قَلْنَسَةً .... مصدر

فذاک – مُقَلْنَسٌ .... اسم مفعول

الامر – قَلْنِسْ .... امر

والنهی – لاَتُقَلْنِسْ .... نهی

باب سوّم: بر وزن «**فَعْوَلَةٌ**»، (بازیادتی «واو» میان عین و لام) مانند:

«اَلسَّرْوَلَةُ»: شلوار پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

سَرْوَلَ.......................... ماضی معلوم

يُسَرْوِلُ.......................... مضارع معلوم

سَرْوَلَةً.......................... مصدر

فهو - مُسَرْوِلٌ.......................... اسم فاعل

و - سُرْوِلَ.......................... ماضی مجهول

يُسَرْوَلُ.......................... مضارع مجهول

سَرْوَلَةً.......................... مصدر

فذاک - مُسَرْوِلٌ.......................... اسم مفعول

ألامر - سَرْوِلْ.......................... امر

والنهی - لاَتُسَرْوِلْ.......................... نهی

و از همین باب است:

اَلْجَهْوَرَةُ:صدابلند کردن

باب چهارم: بر وزن «**فَوْعَلَةٌ**»، (با زیادتی «واو» میان فاء و عین) مانند:

«**اَلْجَوْرَبَةُ**»: جوراب پوشیدن و تصریفش به شرح ذیل است:

جَوْرَبَ.......................... ماضی معلوم

يُجَوْرِبُ.......................... مضارع معلوم

جَوْرَبَةً.......................... مصدر

فهو - مُجَوْرِبٌ.......................... اسم فاعل

و - جُوْرِبَ .... ماضی مجهول

يُجَوْرَبُ .... مضارع مجهول

جَوْرَبَةً .... مصدر

فذاک - مُجَوْرِبٌ .... اسم مفعول

الامر - جَوْرِبْ .... امر

والنهی - لاَتُجَوْرِبْ .... نهی

و از همین باب است: **اَلْحَوْقَلَةُ:** خیلی پیرشدن

تذکّر ۱:

بابهای دوّم، سوّم و چهارم نیز در قرآن وارد نشده‌اند.

تذکّر ۲:

الحاق در لغت به معنای پیوستن می‌آید و در اصطلاح اهل صرف آن است که در کلمه، حرفی اضافه کنند تا آن کلمه بر وزن کلمهٔ دیگر درآید برای اینکه همان حکمی که ملحق بهٖ دارد، ملحق نیز پیدا کند. و شرط الحاق آن است که مصدر ملحق با مصدر ملحق‌بهٖ، موافق باشد نه مخالف.

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مجرد است، چند باب دارد؟
۲ـ مضارع مجهول مصدر «**اَلْجَهْوَرَةُ**» را نوشته، ترجمه نمائید.
۳ـ اسم مفعول مصدر «**اَلشَّمْلَلَةُ**» را صرف نمائید.
۴ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص سازید:
جَلْبَبْنَ، يُقَلْنِسْنَ، مُسَرْوِلَةٌ، حُوْقِلْنَا، يُجَوْرِبَانِ.

درس سی‌ام

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مجرد (۲)

باب پنجم: بر وزن «**فَیْعَلَةٌ**»، (با زیادتی «یا» میان فـا و عـین) مـانند: «**اَلْخَیْعَلَةُ**»: پیراهن بی آستین پوشیدن، تصریفش چنین است:

خَیْعَلَ .... ماضی معلوم

یُخَیْعِلُ .... مضارع معلوم

خَیْعَلَةً .... مصدر

فهو - مُخَیْعِلٌ .... اسم فاعل

و - خُوْعِلَ .... ماضی مجهول

یُخَیْعَلُ .... مضارع مجهول

خَیْعَلَةً .... مصدر

فذاک - مُخَیْعَلٌ .... اسم مفعول

الامر - خَیْعِلْ .... امر

والنهی - لاتُخَیْعِلْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلْهَیْعَمَةُ: گواه‌شدن

اَلصَّیْطَرَةُ: برگماشته‌شدن

و در قرآن مجید آمده است، مانند: **لَسْتَ عَلَیْهِمْ بِمُصَیْطِرٍ**.

تذکّر:

«**خُوْعِلَ**» در اصل «**خُیْعِلَ**» بود، ماقبل «یا» مضموم بود، «یا» را به واو بدل کردند، **خُوْعِلَ** شد.

باب ششم: بر وزن «**فَعْیَلَةٌ**» (با زیادتی «یا» میان عین و لام) مانند: «**اَلشَّرْیَفَةُ**»: برگهای درخت را بریدن، و تصریفش به شرح زیر است:

شَرْیَفَ .... ماضی معلوم

یُشَرْیِفُ .... مضارع معلوم

شَرْیَفَةً .... مصدر

فهو - **مُشَرْیِفٌ** .... اسم فاعل

و - **شُرْیِفَ** .... ماضی مجهول

یُشَرْیَفُ .... مضارع مجهول

شَرْیَفَةً .... مصدر

فذاک - **مُشَرْیَفٌ** .... اسم مفعول

الامر - **شَرْیِفْ** .... امر

والنهی - **لاَتُشَرْیِفْ** .... نهی

و از همین باب است:

اَلْجَزْیَلَةُ:زراندوختن

باب هفتم: بر وزن «**فَعْلاَةٌ**»، (با زیادتی الف مبدله از یا بعد از لام)

مانند: «**اَلْقَلْسَاةُ**»: کلاه پوشیدن، که اصل آن «**قَلْسَيَةٌ**» بود، «یا» متحرک، ماقبل آن مفتوح، آن را به الف بدل کردند، **قَلْسَاةٌ** شد. تصریفش چنین است:

قَلْسىٰ .... ماضی معلوم

يُقَلْسِىْ .... مضارع معلوم

قَلْسَاةً .... مصدر

فهو - مُقَلْسٍ .... اسم فاعل

و - قُلْسِىَ .... ماضی مجهول

يُقَلْسىٰ .... مضارع مجهول

قَلْسَاةً .... مصدر

فذاک - مُقَلْسىً .... اسم مفعول

الامر - قَلْسِ .... امر

و النهی - لاَتُقَلْسِ .... نهی

و از همین باب است: **اَلْجَعْبَاةُ**: افکندن

تذکّر:

«**يُقَلْسِىْ**» در اصل خود «**يُقَلْسِيُ**» بود، ضمه بر یا دشوار بود، یا را ساکن کردند، **يُقَلْسِىْ** شد.

«**مُقَلْسٍ**» در اصل خود «**مُقَلْسِيٌ**» بود، ضمه بر یا دشوار بود، یا را ساکن کردند، آنگاه میان یا و تنوین، التقای ساکنین شد، یا افتاد، «**مُقَلْسٍ**» گردید. «**قُلْسِىَ**» بر اصل خود باقی است، تغییر نکرده است.

«**يُقَلْسیٰ**»در اصل خود «**يُقَلْسَیُ**» بود، یا متحرک، ماقبل آن مفتوح، یا به الف تبدیل گشت، **یُقَلْسیٰ** شد.

«**مُقَلْسًی**» در اصل خود «**مُقَلْسَیٌ**» بود، یا را بواسطۀ فتحه ماقبل آن، به الف تبدیل کردند، آنگاه میان الف و تنوین، التقای ساکنین شد، الف افتاد، «**مُقَلْسیً**» شد.

«**قَلْسِ**» در اصل خود «**قَلْسِیْ**» بود، یا به علّت مجزوم بودن افتاد، **قَلْسِ** شد.

«**لاَتُقَلْسِ**» در اصل خود «**لاَتُقَلْسِیْ**»بود، یا به علّت مجزوم بودن افتاد، «**لاَتُقَلْسِ**» شد.

تذکر:

بابهای ششم و هفتم نیز در قرآن وارد نشده‌اند.

پرسش و تمرین

۱ـ «خُوْعِلَ» در اصل چه بوده است؟ تعلیل نمائید.

۲ـ «قَلْسَاةٌ» در اصل چه بوده است؟ تعلیل کنید.

۳ـ «یُقَلْسِیْ» و «مُقَلْسٍ» در اصل خویش چه بوده‌اند.

۴ـ «مُقَلْسیً» و «قَلْسٍ» در اصل چه بوده‌اند؟ و چگونه به این صیغه‌ها تبدیل شده‌اند؟

۵ـ ماضی مجهول «اَلصَّیْطَرَةُ» را صرف نمائید.

۶ـ اسم مفعول «اَلْجَزْیَلَةُ» را صرف نموده، ترجمه نمائید.

۷ـ مضارع معلوم مصدر «اَلْقَلْساةُ» را صرف کنید.

۸ـ صیغه‌های زیر را مشخص نموده ترجمه کنید:

تُقَلْسَیَانِ - شَرْیَفِیْ - مُجَعْبِیَاتٌ - جَعْبٍ - مُجَزْعِلٌ.

درس سی و یکم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۱)

ثلاثی مزیدی که ملحق به رباعی مزید است، بر دو گونه است: یکی آنکه ملحق به «**تَدَحْرَجَ**» باشد. دوّم: آنکه ملحق به «**اِحْرَنْجَمَ**» است. آنکه ملحق به «**تَدَحْرَجَ**» باشد آن را هشت باب است:

باب اوّل: بر وزن «**تَفَعْلُلٌ**»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و تکرار لام) مانند: «**اَلتَّجَلْبُبُ**»: چادر پوشیدن، تصریفش چنین است:

تَجَلْبَبَ .... ماضی معلوم

يَتَجَلْبَبُ .... مضارع معلوم

تَجَلْبُباً .... مصدر

فهو - مُتَجَلْبِبٌ .... اسم فاعل

الامر - تَجَلْبَبْ .... امر

والنهی - لاَتَتَجَلْبَبْ .... نهی

و از همین باب است: **اَلتَّغَبْرُرُ**: غبارآلود شدن

باب دوّم: بر وزن «**تَفَعْنُلٌ**»، (با زیادتی «تا» قبل از «فا» و «نون» میان

عین و لام) مانند: «اَلتَّقَلْنُسُ»: کلاه پوشیدن، که تصریفش چنین است:

تَقَلْنَسَ .... ماضی معلوم

يَتَقَلْنَسُ .... مضارع معلوم

تَقَلْنُساً .... مصدر

فهو - مُتَقَلْنِسٌ .... اسم فاعل

الامر - تَقَلْنَسْ .... امر

والنهی - لاٰتَقَلْنَسْ .... نهی

باب سوّم: بر وزن «**تَمَفْعُلٌ**»، (با زیادتی «تا» و «میم» قبل از فا) مانند:

اَلتَّمَسْكُنُ: مسکین شدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَمَسْكَنَ .... ماضی معلوم

يَتَمَسْكَنُ .... مضارع معلوم

تَمَسْكُناً .... مصدر

فهو - مُتَمَسْكِنٌ .... اسم فاعل

الامر - تَمَسْكَنْ .... امر

والنهی ـ لاٰتَمَسْكَنْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلتَّمَنْدُلُ: مسح کردن دست با مندیل و حوله، **يُقَالُ: تَمَنْدَلَ الرَّجُلُ اِذاَ مَسَحَ بِالْمِنْدِيْلِ يَدَهْ.**[1]

۱- باید دانست که این باب شاذ و بلکه غلط است، زیرا که میم آن طبق کلام فصحاء از حروف اصلی به شمار نمی‌آید.

باب چهارم: بروزن «**تَفَعْلُةٌ**»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و بعد از لام) مانند:

«**اَلتَّعَفْرُتُ**»: عفریت‌شدن، **يُقَالُ: تَعَفْرَتَ الرَّجُلُ اِذا صَارَ عِفْرِيتاً اَىْ خَبِيْثاً**، تصریفش چنین است:

تَعَفْرَتَ.......................... ماضی معلوم

يَتَعَفْرَتُ.......................... مضارع معلوم

تَعَفْرُتاً.......................... مصدر

فهو - مُتَعَفِرتٌ.......................... اسم فاعل

الامر - تَعَفْرَتْ.......................... امر

والنهی - لاَتَتَعَفْرَتْ.......................... نهی

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که ملحق به «**اِحْرَنْجَمَ**» است، چند باب دارد؟

۲ـ اسم فاعل مصدر «**اَلتَّغَبْرُرُ**» را صرف نمائید.

۳ـ امر مصدر «**اَلتَّقَلْنُسُ**» را صرف کنید.

۴ـ نوع صیغه‌های زیر را مشخص نموده، آنها را ترجمه نمائید:

تَمَسْكَنَّا، مُتَمَنْدِلَةٌ، تَعَفْرَتَا، تَجَلْبَبْنَ، تَقَلْنَسِى، تَعَفْرَتِى

۵ـ ماضی معلوم «**التعفرت**» و مضارع «**التغبرر**» را صرف نموده ترجمه کنید.

درس سی و دوّم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید (۲)

باب پنجم: بر وزن «**تَفَوْعُلٌ**»، (بازیادتی «تا» قبل از «فا» و «واو» میان فا و عین) مانند: «**اَلتَّجَوْرُبُ**»: جوراب پوشیدن، تصریفش به شرح زیر می‌باشد:

تَجَوْرَبَ .... ماضی معلوم

يَتَجَوْرَبُ .... مضارع معلوم

تَجَوْرُباً .... مصدر

فهو - مُتَجَوْرِبٌ .... اسم فاعل

الامر - تَجَوْرَبْ .... امر

والنهی - لاَتَتَجَوْرَبْ .... نهی

و از همین باب است:

اَلتَّكَوْثُرُ:بسیار شدن

باب ششم: بر وزن «**تَفَعْوُلٌ**»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و «واو» میان عین و لام) مانند: «**اَلتَّسَرْوُلُ**»: شلوار پوشیدن، تصریفش چنین است:

تَسَرْوَلَ .... ماضی معلوم

يَتَسَرْوَلُ.................. مضارع معلوم

تَسَرْوُلاً.................... مصدر

فهو - مُتَسَرْوِلٌ.................. اسم فاعل

الامر - تَسَرْوَلْ.................... امر

والنهی ـ لاٰتَتَسَرْوَلْ...................... نهی

و از همین باب است: **اَلتَّدَهْوُرُ:** گذشتن و سپری‌شدن شب.

باب هفتم: بر وزن «**تَفَيْعُلٌ**»، (با زیادتی «تا» قبل از «فا» و «یا» میان فا و عین) مانند: «**اَلتَّخَيْعُلُ**»: پیراهن بی آستین پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَخَيْعَلَ.................... ماضی معلوم

يَتَخَيْعَلُ.................. مضارع معلوم

تَخَيْعُلاً.................... مصدر

فهو - مُتَخَيْعِلٌ.................. اسم فاعل

الامر - تَخَيْعَلْ.................... امر

والنهی ـ لاٰتَتَخَيْعَلْ...................... نهی

و از همین باب است:

اَلتَّعَيْهُرُ: بی سر و سامان شدن

اَلتَّشَيْطُنُ: نافرمان شدن و نافرمانی کردن

باب هشتم: بر وزن «**تَفَعْلٍ**»، (با زیادت «تا» قبل از «فا» و «یا» بعد از لام) که در اصل «**تَفَعْلُیٌ**» بوده، ضمهٔ لام را به کسره بدل کردند از جهت موافقت با «یا»، آنگاه ضمّه بر «یا» دشوار شد، «یا» را ساکن کردند، سپس التقاء ساکنین شد میان یا و تنوین، «یا» افتاد، **تَفَعْلٍ** شد، مانند: «**اَلتَّقَلْسِیْ**»: کلاه پوشیدن، تصریفش به شرح زیر است:

تَقَلْسىٰ .... ماضی معلوم

يَتَقَلْسىٰ .... مضارع معلوم

تَقَلْسِياً .... مصدر

فهو – مُتَقَلْسٍ .... اسم فاعل

الامر – تَقَلْسَ .... امر

والنهی – لاتَتَقَلْسِ .... نهی

تذکّر:

اضافه‌شدن «تا» در اوّل این ابواب، به خاطر الحاق نیست، بلکه برای رساندن معنی مطاوعت و فرمانبرداری و اثرپذیری است، چنانکه در «**تَدَحْرَجَ**» بود، زیرا که الحاق به صورت اضافه نمودن حروف در اوّل کلمه، ثابت نیست.

پرسش و تمرین

۱ـ «تَقَلْسٍ» در اصل چه بوده است؟

۲ـ تائیکه در اوّل ابواب مذکوره اضافه می‌شود، برای چه هدفی است؟

۳ـ فعل نهی مصدر «اَلتَّجَوْرُبُ» را صرف نمائید.

۴ـ مضارع معلوم مصدر «اَلتَّدَهْوُرُ» را صرف کنید.

۵ـ پنج صیغه از مصدر «اَلتَّقَلْسِيْ» و پنج صیغه از مصدر «اَلتَّشَيْطُنُ» نوشته، آنها را ترجمه نمائید.

۶ـ صیغه‌های زیر را مشخص نموده ترجمه نمائید.

تَدَهْوَرُوْا - تَشَيْطَنِيْ - مُتَخَيْعِلاَتٌ - تَسَرْوَلْنَا - تَتَجَوْرَبُ - لاتَتَشَيْطَنْ.

درس سی و سوّم

ثلاثی مزید ملحق به رباعی مزید **(۳)**

ثلاثی مزیدی که ملحق به «اِحْرَنْجَمَ» بود، دارای دو باب است و هر دو باب در قرآن مجید نیامده است:

باب اوّل: بر وزن «**اِفْعِنْلَالٌ**»، (بازیادتی همزهٔ وصل قبل از «فا» و «نون» بعد از عین و تکرار لام) مانند: «**اَلْاِقْعِنْسَاسُ**»: برگشتن با تندی و سخت مرتجع شدن، و تصریفش به شرح زیر است:

اِقْعَنْسَسَ .... ماضی معلوم

يَقْعَنْسِسُ .... مضارع معلوم

اِقْعِنْسَاساً .... مصدر

فهو - مُقْعَنْسِسٌ .... اسم فاعل

الامر - اِقْعَنْسِسْ .... امر

والنهی - لاتَقْعَنْسِسْ .... نهی

و از همین باب است: **اَلْاِعْرِنْكَاكُ**: سیاه شدن موی

باب دوّم: بر وزن «**اِفْعِنْلاءٌ**»، (با زیادت همزهٔ وصل قبل از «فا» و

«نون» میان عین و لام و «یا» بعد از لام) مانند: «اَلْاِسْلِنْقَاءُ»: بر پشت خوابیدن، تصریفش چنین است:

اِسْلَنْقىٰ .... ماضی معلوم

يَسْلَنْقِیْ .... مضارع معلوم

اِسْلِنْقَاءً .... مصدر

فهو - مُسْلَنْقٍ .... اسم فاعل

الامر - اِسْلَنْقِ .... امر

و النهی - لَاتَسْلَنْقِ .... نهی

و از همین باب است: **اَلْاِسْرِنْدَاءُ**: غلبه کردن خواب بر انسان

تذکّر: «**اِسْلِنْقَاءٌ**» در اصل خود «**اِسْلِنْقَایٌ**» بوده است، یا بعد از الف ساقط شد، سپس همزه به آن اضافه کردند، «**اِسْلِنْقَاءٌ**» گردید.

پرسش و تمرین

۱ـ ثلاثی مزیدی که ملحق به «اِحْرَنْجَمَ» است، چند باب دارد؟ نام ببرید.

۲ـ «اِسْلِنْقَاءٌ» در اصل خویش چه بوده است؟ و چه تغییری آمده است؟ توضیح دهید.

۳ـ فعل مضارع و اسم فاعل مصدر «اِقْعِنْسَاسٌ» را صرف نمائید.

۴ـ فعل ماضی مصدر «اَلْاِغْرِنْکَاکُ» و مضارع مصدر «اَلْاِسْرِنْدَاءُ» را صرف کنید.

۵ـ صیغه‌های زیر را از مصدرهای «اقعنساس» و «اسرنداء» بنویسید و ترجمه کنید.

جمع مؤنث غایب - واحد متکلّم - تثنیه مخاطب مذکر - از ماضی
جمع مذکر مخاطب - تثنیه مؤنث غایب - جمع متکلّم - از مضارع

منشعب منظوم

بعد حمد خدا و نعت رسول
گوش کن از من ظلوم و جهول
فعل از آن رو که از حروف اصول
شد مرکب دو نوع شد منقول
موخرش می‌کنم به نظم بیان
یک ثلاثی، دگر رباعی دان
هر یکی زین دو قسم را ای یار
چون مجرد، مزیدفیه شمار
پس ثلاثی مجرد است دو قسم
مطرد، شاذ دان تو آن را اسم
مطرد شد به پنج[5] باب علم
نصر[1] و ضرب[2] و سمع[3] و فتح[4] و کرم[5]
شاذ را نیست زائد از سه باب
حسب[1] و فضل[2] است کاد[3] هم دریاب
غیر ملحق تو اولاً بنگر
همزهٔ وصل آیدش بر سر

یا نیاید تو بعد از این دریاب
کان درآید از و بود نه[۹] باب

اجتناب[۱] است و دیگر استنصار[۲]
انفطار،[۳] احمرار،[۴] احمیرار[۵]

باز اخشوشن[۲] است و افعوّال[۷]
هشتم اثّاقل[۸] ای جوان در حال

نهم اطّهّر[۹] آمد آن بی فصل
و انکه ناید بر و زهمزۀ وصل

پنج[۵] باب است: اوّلین اکرام
باز تکریم،[۲] پس تقبّل[۳] نام

چهارمین را مقاتله[۴] بشمار
پنجمین شد: تقابل،[۵] از بردار

پس رباعی مجرد از زائد
غیر یک باب «بَعْثَرَ» ناید

بر دو گونه مزیدفیه بدان
یک مع حرف وصل و یک بی آن

لیک آن قسم اوّلین این یار
باب احرنجم است و اقشعرار

دومین قسم را تو ای دلبر
غیر باب تدحرج مشمر

پس ثلاثی فیه که او
با رباعی است ملحق، از وی گو
چون رباعی مجرد است و مزید
ملحقش نیز بر دو گونه گزید
آنکه ملحق از آن مجرد راست
هست بر هفت[7] باب بی کم و کاست
جَلْبَبَ،[1] **قَلْنَسَ**[2] تو **جَوْرَبَ**[3] دان
سروله،[4] خیعله،[5] و شریف[6] دان
هفتمین زان همه بود قَلْسَاة[7]
ملحقات مزید گویم بات
آنکه ملحق تدحرج بگشت
جمله ابواب آن بیاید: هشت[8]
التجلبب،[1] دگر تقلنس[2] خوان
پس تمسکن،[3] دگر تعفرت[4] دان
پس تجورب[5] هم از تسرول[6] گو
پس تخیعل،[7] تقلنس[8] ای خوشخوی
وان که ملحق بود به احرنجام
بر دو بابش کنیم ختم کلام
بعد خوض تمام و استقراء
آمد اقعنسس و اسلنقاء

بـــهر تـیسیر حـفظ و ضـبط تـمام

کـــردمش نـــظم بـا دعـا و سـلام

تمت بالخير

و آخر کلمتنا ان الحمد لله رب العالمین.

در مورخ ۲۶ اسفند ۱۳۶۸ هـ ش، مطابق با ۱۹ شعبان ۱۴۱۰ هـ ق، شب شنبه بعد از نماز مغرب، کار ترتیب این کتاب به اختتام رسید. از خوانندگان و طلاب محترم و استفاده کنندگان التماس دعای خیر را دارم.

(و الله الموفق)

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

دارالعلوم زاهدان

۱۳۶۸/۱۲/۲۶ هـ ش

۱۴۱۰/۸/۱۹ هـ ق

تصحیح و بازنگری: شهریور ۱۳۷۶ هـ ش - مشهد - زندان وکیل آباد